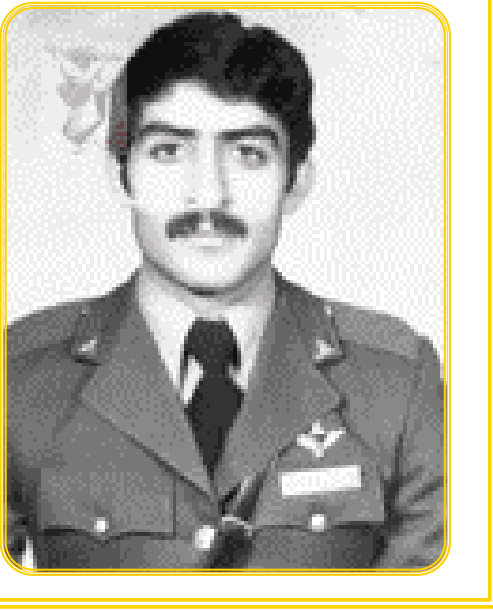


بنابر اعلام حکومت سرپرست طالبان، شمار جانب‌اخ‌تگان زلزله شب افغانستان به ۸۱۲ نفر رسید و بیش از ۲ هزار نفر نیز مجروح شده‌اند.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از خبرگزاری تاس که با انتشار این خبر افزود: زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۶.۲ ریشتر روز ۳۱ اوت (۹ شهریورماه ۱۴۰۴) رشته‌کوه‌های هندوکش افغانستان را لرزاند و اکنون شمار قربانیان این زمین‌لرزه تا

سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۸۳

یاد و خاطره شهدا، به ویژه «محمد رضا پورکاظمی خورشیدی» که ۱۱ بهمن ۱۳ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرمای باد



سرمقاله

بازگشت ثبات به بازار ارزش در آینهٔ سیاست‌های پولی؛

آرامش یا سراب؟

مهدی صالحی

بازار ارز در ایران، همواره میدان کشاکش میان سیاست، اقتصاد و روان جمعی جامعه بوده است. هر خبر سیاسی از تحریم گرفته تا مکانیسم ماشه به سرعت در نمودار قیمت دلار بازتاب می‌یابد. در این میان، سخنان اخیر رئیس کل بانک مرکزی، محمدرضا فرزین، مبنی بر «بازگشت آرامش به بازار ارز» و «افزایش اختیارات استان‌ها در حوزه بانک» می‌تواند نشانه‌ای از تلاش تازه برای بازتعریف رابطه مرکز و پیرامون در نظام بانکی ایران باشد. اما پرسش اصلی این است: آیا این وعده‌ها تنها مُسکن موقت‌اند یا می‌توانند به ساختار پولی کشور نفسی تازه ببخشند؟ فرزین به صراحت می‌گوید که «۹۰ درصد تأمین مالی کشور بر دوش شبکه بانکی است». این جمله معنایی روشن دارد: در غیاب بازار سرمایه کارآمد، مالیات‌های پایدار و سرمایه‌گذاری خارجی، عملاً بانک‌ها به ماشین چاپ پول بدل شده‌اند. نتیجه؟ تورم مزمن، فشار نقدینگی و بی‌ثباتی در بازارها. اقتصاد سیاسی این وضعیت، به تعبیر بسیاری از پژوهشگران، بازتولید چرخه‌ای است که در آن دولت برای جبران کسری بودجه دست در جیب بانک‌ها می‌کند و بانک‌ها نیز برای تأمین منابع، جامعه را به سمت بدهکارسازی بیشتر می‌رانند. در واقع، این روند نه فقط یک مشکل مالی، بلکه نوعی «بی‌اعتمادی ساختاری» را ایجاد می‌کند؛ شهروندان باور خود به پول ملی را از دست می‌دهند و در پی جایگزین‌های امن‌تر (از طلا تا رمزارز) می‌روند.

گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد ۶۰ درصد تسهیلات کشور در تهران پرداخت می‌شود. این آمار گویای شکافی ساختاری است: تمرکز شرکت‌های بزرگ در پایتخت، تمرکز سرمایه و در نهایت، تمرکز قدرت تصمیم‌گیری. وقتی استان‌ها از منابع بانکی محروم می‌مانند، توسعه منطقه‌ای نیز عقیم می‌شود و مهاجرت به تهران شتاب می‌گیرد.

افزایش اختیارات استان‌ها در اعطای تسهیلات ـ آن‌گونه که فرزین وعده داده ـ اگر به شکل واقعی اجرا شود، می‌تواند گامی در جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای باشد. اما تجربه نشان داده است که هر بار چنین وعده‌هایی داده شده، در لابلای بوروکراسی، مقررات دست‌وپاگیر و مقاومت بانک‌های مرکزی محور رنگ باخته است.

فرزین به «ترس و دلهره ناشی از مکانیسم ماشه» اشاره کرده است. این عبارت نشان می‌دهد که بخش بزرگی از بی‌ثباتی بازار ارز ریشه در روان جمعی دارد، نه صرفاً در عرضه و تقاضا. اقتصاددانان رفتاری تأکید می‌کنند که بازارهای مالی، به‌ویژه در کشورهای تحریم‌زده، شدیداً تحت تأثیر «انتظارات» عمل می‌کنند. هر شایعه سیاسی می‌تواند به موج خرید هیجانی ارز منجر شود. در چنین شرایطی، سخن گفتن از «منابع ارزی مطمئن» و «ذخایر طلای کافی» بیشتر جنبه روانی دارد تا اقتصادی. این سخنان می‌تواند موقتا آرامش تزریق کند، اما بدون اصلاحات ساختاری (شفاف‌سازی روابط با دولت و بانک‌ها، استقلال واقعی بانک مرکزی، تنوع‌بخشی به منابع ارزی)، آرامش وعده‌ده‌شده همچون کف روی آب خواهد بود.

سیاست‌های پولی در ایران اغلب در دوگانه‌ای گرفتارند: تسکین کوتاهمدت در برابر اصلاح بلندمدت. سخنان اخیر رئیس کل بانک مرکزی نیز از همین جنس است. وعده افزایش اختیارات استان‌ها، استفاده از روش‌های نوین تأمین مالی و بازگشت آرامش به بازار ارز، اگر با شفافیت و پاسخگویی همراه نباشد، چیزی جز بازتولید اعتماد از دست‌رفته نخواهد بود. اقتصاد ایران بیش از آنکه نیازمند شعار «آرامش» باشد، نیازمند ساختارهایی است که تاب مقاومت در برابر طوفان‌های سیاسی و فشارهای خارجی را داشته باشند. بدون این اصلاحات، هر بار که نسیمی از سوی تحریم یا بحران ژئوپلیتیک بوزد، آرامش وعده‌ده‌شده به تنبدایی از تلاطم بدل خواهد شد. و این همان پرسشی است که امروز مقابل بانک مرکزی قرار دارد: آیا می‌خواهد در مانگر ریشه‌ای بیماری باشد، یا تنها مُسکن فروش بازار ارز؟

این لحظه به ۸۱۲ نفر رسیده است.

بنابراین گزارش ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی حکومت سرپرست طالبان در افغانستان، در یک نشست خبری اعلام کرد که شمار قربانیان زمین‌لرزه افغانستان به ۸۱۲ نفر رسیده است و در همین حال تعداد مجروحان نیز به ۲ هزار و ۸۱۷ نفر افزایش یافت.

تاس در ادامه گزارش داد: زلزله‌ای به بزرگی ۶.۲ ریشتر

شمار جانب‌اخ‌تگان زلزله افغانستان به بیش از ۸۰۰ نفر رسید

شب گذشته (۹ شهریورماه ۱۴۰۴) رشته‌کوه هندوکش در افغانستان را لرزاند، کانون زمین‌لرزه در ۲۷ کیلومتری جنوب‌غربی شهر «اسعدآباد» قرار داشت.

گفتنی است، درحالی مقامات حکومت سرپرست طالبان در افغانستان شمار جدید جانب‌اخ‌تگان را بیش از ۸۰۰ نفر اعلام کردند که پیشتر خبرگزاری فرانسه شمار جانب‌اخ‌تگان این حادثه را ۶۲۲ و تعداد مجروحان را یک‌هزار و ۵۰۰ نفر

دنیایس‌هوادار

«دنیای هوادار» شرح می‌دهد: چگونه تحریم‌ها ایران را به سمت همگرایی اوراسیایی سوق داد؟

پایان عصر یک‌جانبه‌گرایی؟

مهرداد تیموری

«محفل دیپلماتیک» نیست، بلکه میدان آزمون سیاست مقاومت فعال در قالب تعاملات چندجانبه است. به تعبیر جامعه‌شناسان روابط بین‌الملل، این سازمان به ایران امکان می‌دهد «کنشگری جمعی» را جایگزین «انفعال تحریمی» کند.

شانگهای با جمعیتی بیش از دو میلیارد و نیم نفر و ظرفیت‌های گسترده در انرژی، فناوری، کشاورزی و تجارت، یکی از بزرگ‌ترین بلوک‌های اقتصادی بالقوه جهان است. ایران با موقعیت ژئوپلیتیک در شاهراه انرژی و ترانزیت (چابهار، خلیج فارس، کریدور شمال-جنوب) می‌تواند به گره لجستیکی این شبکه بدل شود. از منظر اقتصاد سیاسی، این موقعیت به معنای «قدرت نرم زیرساختی» است؛ قدرتی که می‌تواند ایران را از حاشیه به متن معادلات منطقه‌ای بکشد. در شرایطی که غرب تلاش دارد با ابزار دلار و نظام مالی بین‌المللی سلطه خود را حفظ کند، شانگهای فرصت تنوع‌بخشی به ابزارهای مالی و تجاری ایران را فراهم می‌کند.

سفر مسعود پزشکیان به تیانجین، نخستین حضور او در قامت رئیس‌جمهور در چین است و از این رو واجد اهمیت نمادین است. اما اهمیت فراتر از نماد آنجاست که پزشکیان از همان ابتدا بر «تقویت چندجانبه‌گرایی» به‌عنوان راهبرد دولت چهاردهم تأکید کرده است. برخلاف برخی دولت‌های پیشین که دیپلماسی منطقه‌ای را به حاشیه برده بودند، این بار «مقاومت» نه به معنای انزوا، بلکه در قالب شبکه‌ای از همکاری‌های چندجانبه تعریف می‌شود. این تغییر لحن می‌تواند به بازتعریف «سیاست خارجی مقاومتی» در قالبی عملگرایانه منجر شود.

اگر در منطق هابزی، نظم بین‌الملل بر «قابت همه علیه همه» استوار بود و قدرت‌های بزرگ می‌کوشیدند با یک‌جانبه‌گرایی و سلطه‌جویی بقای خود را تضمین کنند، منطق هابرماسی چندجانبه‌گرایی بر «گفت‌وگوی عقلانی و اجماع» بنا شده است. سازمان همکاری شانگهای را می‌توان گامی در راستای گذار از منطق هابزی به منطق

می‌شود.

وزارت خارجه چین اعلام کرده که این اجلاس با شعار «دوستی، اتحاد و نتایج ثمربخش» برگزار می‌شود.

همگرایی با روسیه و چین

تارنمای خبری دویچه وله در ادامه این مقاله نوشت: ایران در سال ۲۰۲۳ به سازمان همکاری شانگهای پیوست و اندکی بعد نیز به گروه بریکس (BRICS) ملحق شد. کارشناسان معتقدند تهران از این طریق به‌دنبال گسترش روابط دوستانه با روسیه و چین و مقابله با نظم جهانی تحت رهبری آمریکا است.

در همین حال، ایران تلاش کرده روابط خود را با رقبای منطقه‌ای به‌ویژه عربستان سعودی و امارات بهبود بخشد، دیدار وزرای خارجه ایران و عربستان

در پکن در سال ۲۰۲۳ نمادی از این سیاست بود. دویچه وله در ادامه این تحلیل می‌نویسد: کارشناسان می‌گویند سیاست «نگاه به شرق» ایران پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای (برجام) و ناتوانی اروپا در ایجاد مسیرهای اقتصادی جایگزین شدت گرفت. حملات آمریکا و اسرائیل (رژیم صهیونیستی) به تاسیسات هسته‌ای ایران در خرداد و تیر گذشته نیز موجب شد امیدها به مصالحه با غرب کاهش یابد و سیاست‌مداران تهران بیش از پیش بر مدار شرق متمرکز شوند.

روابط با همسایگان خلیج فارس

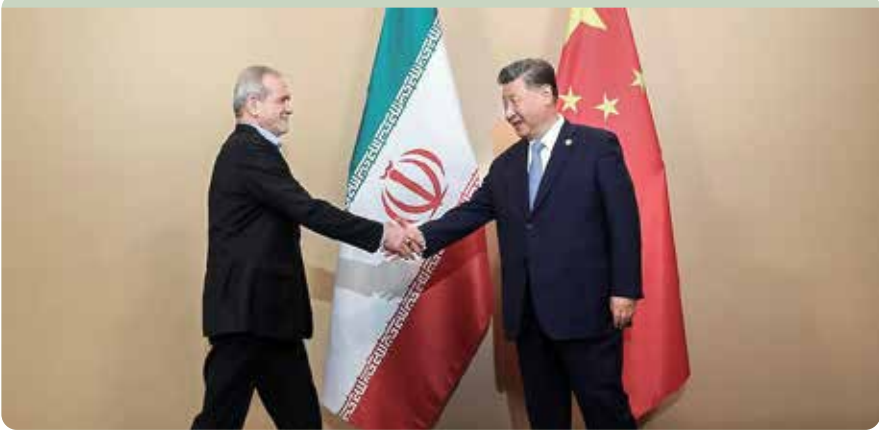
تارنمای این شبکه خبری آلمانی نوشت:تحلیلگران می‌گویند حملات آمریکا و اسرائیل، تهران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده است، در این چارچوب، دیپلماسی

اعلام کرده بود. شب گذشته (یک‌شنبه) برابر با ۹ شهریور ۱۴۰۴ زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۶ ریشتر در امواج درونی زمین در ولایت‌های کنر، نورستان، ننگرهار و لغمان در شرق افغانستان رخ داد.

این زمین لرزه که ساعت ۲۳:۴۷ یکشنبه به وقت محلی روی داد و تاکنون چندین پس لرزه نیز به همراه داشته است.

رویداد

حرف‌اول



آن کاستن از سلطه دلار، تنوع‌بخشی به شبکه‌های انرژی، و تعریف قواعد جدید در امنیت جمعی است.

اجلاس تیانجین را باید نه صرفاً یک نشست دیپلماتیک، بلکه نشانه‌ای از تغییر دوران دانست. دورانی که در آن یک‌جانبه‌گرایی غرب بیش از هر زمان دیگر با چالش مواجه است و چندجانبه‌گرایی به مثابه بدیل عملی قد

برافراشته. ایران با عضویت در شانگهای و حضور فعال رئیس‌جمهور پزشکیان در این اجلاس، در حال بازتعریف جایگاه خود از «کشوری تحت فشار» به «بازیگری سازنده» است. آینده نشان خواهد داد که آیا شانگهای می‌تواند از مرحله نماد به مرحله نهاد گذر کند یا خیر. اما آنچه مسلم است، این‌که جهان دیگر همان جهان تک‌قطبی دهه ۹۰ میلادی نیست؛ و تهران امروز، در صف نخست معماران نظمی تازه ایستاده است. این ایستادگی اگر با عملگرایی اقتصادی، همگرایی منطقه‌ای و دیپلماسی هوشمندانه همراه شود، می‌تواند نکتها تحریم‌ها را بی‌اثر کند، بلکه الگویی برای «مقاومت فعال در عصر چندجانبه‌گرایی» بسازد.

واپسین جملهٔ این سطور، احتمالاً بیش از هر چیز دیگری بتواند عصارهٔ موقعیت کنونی را بازگو کند: ایران دیگر صرفاً بازیگری محاصره‌شده در نظم تحریمی غرب نیست؛ بلکه به‌عنوان معمار یکی از ستون‌های نظم اوراسیایی نوین، مشغول بازنویسی قواعد بازی است.

دادگاه کاغذی هوادار (۲)

ب.ز علیه ب.ز!

محمود کاتبی

خواهان: ب.ز فرزند پدر و مادرش! به آدرس؛ پشت میز باز نشستگی! شماره شناسایی ۱۳۳۴۵۶۷۸۹

خوانده: ب.ز فرزند مادر و پدرش! به آدرس؛ روی کشتی وسط اقیانوس ها، شماره شناسایی ۹۸۷۶۵۴۳۲۱۰

گردش کار: خواهان ب.ز، طی تقدیم یک برگ دادخواست، از (خوانده ب ز) خواسته که به خواسته وی توجه کند و با شلوارک اجق وحق روی عرشه کشتی های دو بار حمام آفتاب نگیرد و برای برخی دور زدن ها، به خصوص در شبهای مهتابی با سرعت ۲۰۰ گره دریایی دور دور نکند، تا مبادا خدای ناخواسته سرش گیج برود! و بدینوسیله از محضر دادگاه درخواست کرده که (خوانده ب ز) را برای رد مال به نفع (خواهان ب ز) وادار به تمکین نماید!

لذا این دادگاه به استناد تبصره واحد بند ثانویه ماده اولیه، (خوانده ب ز) را احضار و مورد استنطاق قرار داده که نامبرده اظهار داشت: اینجانب جانم را به ندان های ایمنپلنت گرفته و به ویژه در دریاهای پر تلاطم شرق که موج های سنگین آن گاهی تا ارتفاع شونصمتر بالا میرود، گوشه ای نشسته و به همراه ملاح و ناخدا و سایر خدمه ها منتظر قیمت نفت برنت دریای شمال بوده و به لقمه ای نان و پنیر قناعت کرده و گوش به زنگ هستیم تا یکی از خدمه از بالای دکل فریاد بزند؛ خشکی، خشکی، خشکی! دادگاه ضمن بررسی های لازم با در نظر گرفتن و لحاظ نمودن تمامی مستندات (خواهان ب ز) و استماع تمام دفاعیات (خوانده ب ز) در هماهنگی با نقطه نظرات هیات محترم منصفه منصف از صنف مذکور مبادرت به صدور رای به شرح زیر می‌نماید:

دادنامه:

دادگاه (خواهان ب ز) و (خوانده ب ز) را به اجتناب از دعوی حیدری نعمتی دعوت نموده و موادکاً مقرر میدارد طرفین موظف هستند سریعاً و در هماهنگی با (طفرل)! در (میدان گُز ب)! واقع در روستای برره ، به صورت چشم در چشم به مذاکره بنشینند و مشکلات فیما بین را از طریق کدخدا منشی با حضور سردار خان و سالار خان حل و فصل نمایند! این حکم قطعی و لازم الاجرا است. رونوشت: منشی محترم دادگا! جناب آقای بچه پایین! جهت ابلاغ به طرفین و مختومه و متروکه نمودن پرونده.

همه کاره دادگاه- بچه بالا

به تاریخ؛ دیروز/ امروز/ فردا



سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۸۳

دنیای سوادار

در شهر

مکت

۴۰۰میلیارد هزینه برای شش طرح؛

دانشگاه آزاد، سرمایه گذار

تازۀ توسعه پایدار

حمید رشید

گشایش شش طرح علمی، تحقیقاتی و ورزشی در دانشگاه آزاد اسلامی استان البرز را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از افتتاحیه‌های نمادین در هفته دولت تعبیر کرد. این رخداد، در دل خود نشانه‌هایی از تغییر رویکرد در دانشگاه آزاد دارد؛ تغییری که هم در سطح اقتصاد دانش‌پنیان معنا می‌یابد و هم در حوزه‌های اجتماعی همچون آموزش بانوان، ورزش، و حتی مدیریت منابع محیط‌زیستی. آنچه در ظاهر مجموعه‌ای پراکنده از پروژه‌ها به نظر می‌رسد، در واقع نقشی راهبردی از پیوند میان علم، فناوری و جامعه است؛ مسیری که اگر درست تداوم یابد، می‌تواند دانشگاه را از حاشیه به متن توسعه منطقه‌ای و ملی بکشد. در دهه‌های گذشته، بسیاری از پروژه‌های دانشگاهی در ایران بیشتر رنگ‌بویی نمادین داشتند: ساختمان‌هایی برای افتتاح، مجتمع‌هایی برای نمایش، و آمارهایی برای گزارش. اما مرکز استحصال فلزات گران‌بها از پد‌های الکترونیکی، نقطه عزمی متفاوت است. این مرکز در فضایی قرار می‌گیرد که اقتصاد جهانی به سمت بازیافت، اقتصاد سبز و استخراج ثروت از پسماند حرکت می‌کند. بعبیان دیگر، دانشگاه آزاد البرز با این طرح، از سطح آموزش صرف عبور کرده و به عرصه اقتصاد سیاسی فناوری وارد شده است. این رویکرد، مصداقی از همان چیزی است که جامعه‌شناسان علم همچون «مانوئل کاستلز» آن را گزاره به جامعه شبکه‌ای دانش‌پنیان می‌نامند.

آموزش مهارتی به‌منابۀ بازتعریف دانشگاه

افتتاح مجتمع آموزشی مهارتی شهید طهرانچی حامل پیام دیگری است: عبور از مدل سنتی آموزش تئوریک به سمت مهارت‌آموزی. در جامعه‌ای که بازار کار آن سال‌هاست با بحران بیکاری دانش‌آموختگان دست به گریبان است، ایجاد مراکز مهارتی می‌تواند به معنای احیای کارکرد واقعی دانشگاه باشد. در سطح کلان، این اقدام پاسخی به پارادوکس ایرانی است: جمعیتی وسیع از دانش‌آموختگان، در کنار کمبود نیروی متخصص در بخش‌های صنعتی و فناوریانه.

افتتاح پارک باتوان و زمین چمن مصنوعی در دل دانشگاه آزاد البرز تنها یک اتفاق ورزشی نیست. این رویداد حامل دلالت‌های فرهنگی است. در جامعه‌ای که مشارکت زنان در عرصه عمومی همواره با موانع ساختاری مواجه بوده، دانشگاه در نقش «میدان بورژوازی» عمل می‌کند؛ میدانی که در آن سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی زنان می‌تواند به سرمایه نمادین بدل شود. حضور ۱۳ هزار دانشجوی زن در دانشگاه آزاد البرز، ضرورت ایجاد چنین فضاهایی را توضیح می‌دهد. در اینجا دانشگاه نه‌فقط نهاد آموزشی، بلکه نهاد بازتولید شهروندی جنسیتی است.

افتتاح فاز دوم مجتمع تولید نان کامل و گلخانه ماهدشت نشان می‌دهد که دانشگاه آزاد البرز در پیوند با دغدغه‌های حیاتی جامعه ـ از جمله امنیت غذایی ـ نیز ورود کرده است. در شرایطی که ایران با بحران منابع آب، زمین و تولید سالم روبه‌روست، چنین پروژه‌هایی می‌توانند دانشگاه را از برج عاج نظریه به متن زندگی روزمره مردم بکشانند. «بورگن هابرماس» در نظریه کنش ارتباطی خود تأکید می‌کند که نهادهای اجتماعی تنها زمانی مشروعیت دارند که بتوانند نیازهای زیست‌جهان را پاسخ دهند. چنین پروژه‌هایی می‌تواند گامی در همان مسیر باشد. نام شهید دکتر محمدمهدی طهرانچی در این آیین بارها تکرار شد. او که با نگاهی راهبردی به «ظرفیت بانوان» و «دانشگاه کارآفرین» شناخته می‌شد، امروز به‌عنوان چهره‌ای نمادین در بازتعریف دانشگاه آزاد بازخوانی می‌شود. از منظر جامعه‌شناسی سازمانی، این گونه یادکردها صرفاً بزرگداشت فردی نیست؛ بلکه نوعی مشروعیت‌بخشی نهادی است که تلاش دارد مسیر جدید دانشگاه آزاد را با اتکا به سرمایه نمادین پیشینیان تثبیت کند.

اجرای این شش طرح با اعتباری معادل ۴۰۰ میلیارد ریال همراه بوده است. این رقم هرچند در مقیاس کلان شاید ناچیز به نظر آید، اما نشان‌دهنده اولویتی است که دانشگاه آزاد البرز برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های میان‌رشته‌ای قائل شده است. این منظر اقتصاد سیاسی، دانشگاه در اینجا به یک کنشگر توسعه بدل می‌شود؛ کنشگری که می‌تواند هم در عرصه اقتصادی نقش‌آفرینی کند و هم در حوزه اجتماعی، سرمایه اعتماد عمومی را بازتولید نماید.

آنچه در دانشگاه آزاد البرز شاهد بودیم، تنها افتتاح چند پروژه پراکنده نیست. این رخداد، روایتی است از دانشگاهی که در حال تغییر جایگاه خویش است: از نهادی صرفاً آموزشی به نهادی توسعه‌گرا. اگر این مسیر تداوم یابد، دانشگاه آزاد می‌تواند به الگویی بدل شود برای اینکه چگونه می‌توان همزمان به نیازهای بازار کار پاسخ داد، در حوزه محیط‌زیست نوآوری کرد، به زنان فرصت بروز اجتماعی داد، و در عین حال میراث علمی و فرهنگی پیشینیان را پاس داشت؛ اما پرسش اصلی اینجاست: آیا این حرکت‌ها به سیاست‌گذاری پایدار بدل خواهد شد یا در حد آیین‌های افتتاحیه باقی خواهد ماند؟ پاسخ به این پرسش، سرنوشت دانشگاه آزاد و شاید بخشی از آینده آموزش عالی ایران را رقم خواهد زد. اگر دانشگاه بتواند نقش واقعی خود را به‌عنوان «موتور توسعه منطقه‌ای» ایفا کند، آن‌گاه افتتاح‌های امروز نه فقط خبر یک روزنامه، که سرآغاز فصلی تازه در پیوند علم و جامعه خواهد بود.

با هدف توسعهٔ بخش درمان در البرز؛ رئیس دانشگاه با معاون درمان وزیر بهداشت دیدار و گفت‌وگو کرد

استان البرز از جمله توسعه زیرساخت های درمانی و تجهیزات پزشکی، توسعه خدمات تخصصی و فوق‌تخصصی و همچنین تقویت نیروی انسانی تخصصی مورد بررسی قرار گرفت. مجموعه دانشگاه علوم پزشکی البرز در حوزه درمان،

سجاد رضوی، معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش صیادی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز دیدار و گفت‌وگو کرد. این نشست که با حضور دکتر واعظی معاون درمان دانشگاه انجام شد، مسائل و چالش‌های حوزه درمان

از «البرز» چه خبر؟

استاندار البرز:

محصول تعامل شورا و شهرداری؛ شجاعت در تصمیم‌گیری و تکمیل پروژه‌های بزرگ



در ادامه این دیدار، مهرداد کیانی شهردار کلان‌شهر کرج ضمن قدردانی از حمایت‌های استاندار البرز گفت: خدمات و تلاش‌های استاندار در ذهن مردم البرز به یادگار خواهد ماند و حتی فراتر از جریان‌های سیاسی، به واسطه نتایج ملموس و کارهای شاخص، همواره مورد تقدیر قرار می‌گیرد. وی افزود: از نگاه ما، استاندار البرز الگویی از تعصب به استان و تلاش بی‌وقفه است که آثار آن در عمران و آبادانی شهر و در ذهن شهروندان ماندگار خواهد شد. غلامرضا رضوانی شهردار منطقه ۸ نیز در این نشست به

برنامه روزانه داشته باشیم، کارها را اولویت‌بندی کنیم و نتیجه ملموس بر سفره شهروندان بنشانیم. وی با تأکید بر اینکه فلسفه وجودی مدیریت شهری، خدمت مؤثر به مردم است، خاطرنشان کرد: در مراجعات شهری باید صبوری، احترام و شنیدن دقیق مطالبات مردم سرلوحه باشد؛ اجازه ندهیم هیچ شهروندی ناراضی از مجموعه خارج شود.

استاندار البرز، محلات کم‌برخوردار را کانون اصلی مداخلات عمرانی و خدماتی دانست و گفت: پروژه‌های کوچک اما پیوسته و متعدد در محلات هدف، سیمای شهر را متحول می‌کند. هر عضو شورا و هر منطقه شهرداری، مسئولیت‌پذیرانه روی چند محله تمرکز کند تا انباشت اقدامات خرد، به بهبود بزرگ منتهی شود.

وی در بخش دیگری از سخنان خود، از پروژه بزرگ‌راه شمالی کرج به عنوان نمونه بارز همکاری و همدلی دستگاه‌ها یاد کرد و افزود: امروز ۱۶ کیلومتر از این مسیر در حال بهره‌برداری است؛ پروژه‌ای که سال‌ها روی زمین مانده بود و با همت مجموعه مدیریت شهری و پیگیری‌های استانی، به نتیجه رسید و رضایت عمومی در میان مردم ایجاد کرد.



البرز در سوگ یازدهمین آفتاب امامت و ولایت



شد و فضای آموزش، تعلیم و تربیت نیروهای نخبه دینی، در جامعه توسعه یافت. وی ادامه داد: سازج جامعه برای امامت امام زمان (عج) را از دیگر برنامه‌های امام حسن عسکری (ع) دانست و بیان کرد: ایجاد فضایی برای تحقق این مهم از برنامه‌های مهم یازدهمین امام شیعیان «ع» بود که امامت و غیبت صغری و کبری حضرت ولی عصر (عج) در پنج سالگی مورد مقبولی جامعه قرار بگیرد.

حجت الاسلام و المسلمین «مرتضی عزیزی» با اشاره به زندگی سراسر مظلومیت و غربت این امام همام، افزود: امام حسن عسکری (ع) در سال ۲۶۰ هجری قمری در سن ۲۸ سالگی به دستور معتمد عباسی با سم به شهادت رسیدند. وی گفت: دوران ۶ ساله امامت یازدهمین امام شیعیان «ع» مصادف با ایجاد جو خفقان شدید حکومت عباسیان در جامعه و دور کردن جامعه از نهاد امامت بود و در آن دوران تهاجم فرهنگی داخلی و خارجی زیادی به اسلام ناب محمدی (ص) ایجاد شده بود.

وی اضافه کرد: در این دوران، امام حسن عسکری (ع) با درایت عرشی، نهاد وکالت در تمامی حسن عسکری (ع) پرداخته و با برپایی مراسم های عزاداری این روز بزرگ را در مکتب شیعه در سوگ‌نشستند.

معاون فرهنگی و اجتماعی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان البرز گفت: همزمان با شهادت امام حسن عسکری (ع) مراسم عزاداری در ۱۷ بقعه متبرکه شاخص استان البرز از شب گذشته آغاز شده است.

۱۷۰ هکتار از اراضی کشاورزی کرج آزاد سازی شد

سازج انجام شده بود. مدیر جهاد کشاورزی کرج گفت: رفع اثر هفت مورد گودبرداری ۴۵۰ مورد انباشت مصالح و ۱۶ مورد راه دسترسی از دیگر اقدامات غیر قانونی انجام شده در اراضی مذکور بوده است. وی یادآور شد: همچنین دراین اراضی ۱۳ مورد انشعاب برق غیر مجاز با اجرای تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون جمع آوری شد.

مدیر جهاد کشاورزی کرج از آزاد سازی ۱۷۰ هکتار از اراضی کشاورزی شهر ماهدشت این شهرستان که تغییر کاربری داده شده بود، خبر داد. « عبدالرضا روشن نژاد » افزود: این اراضی که در ۱۳۰ قطعه تفکیک شده بود با الزامات قانونی حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها آزاد سازی شد. وی بیان کرد: در این اراضی هشت بنا، ۱۲ مورد استخر، ۱۳۰ مورد دیوار کشی و ۱۲ مورد محوطه



ورود ۳۰۰ نیروی پرورشی تازه نفس به آموزش و پرورش البرز

وی از نیروهای پرورشی در مدارس به عنوان سکان داران نظام تعلیم و تربیت یاد کرد و گفت: آموزش مهارت‌های زندگی به دانش آموزان و هدایت کردن آنان به سمت ارزش‌های والای انسانی از نکات مهمی است که نیروهای پرورشی باید به آن نگاه ویژه ای داشته باشند. معاون پرورشی و فرهنگی آموزش و پرورش البرز ادامه داد: در شرایط کنونی که همه توجه ها به سمت آموزش در فضای مجازی پیش رفته است باید با برنامه‌ریزی و بسترسازی مناسب و درست در فضای مجازی، برنامه های پرورشی و تربیتی اجرایی شوند.

خاطرنشان کرد: کشف استعداد دانش آموزان و پرورش و تقویت این استعدادها شادابی و بالندگی جامعه را به دنبال خواهد داشت. وی کار فرهنگی و تربیتی را یک مسوولیت بسیار سنگین و حساس دانست و اضافه کرد:نیروهای فعال در حوزه پرورشی باید فضای حاکم بر مدرسه را به یک فضای مجذوب و توأم با عشق و صمیمیت تبدیل کنند. منظوری یادآورشد: با توجه به شرایط حساس فرهنگی و جنگ نرم دشمنان باید بیشتر از گذشته به نقش و جایگاه معلم ها و مربیان پرورشی توجه داشته باشیم.

معاون پرورشی و فرهنگی آموزش و پرورش البرز اعلام کرد:در آستانه سال تحصیلی جدید،۳۰۰نیروی پرورشی تازه نفس با پست سازمانی مشاور ، مربی و معاون پرورشی وارد مدارس این استان شدند. فرهاد منظوری با بیان اینکه مربیان پرورشی برای تربیت نسلی متعهد باید روحیه امید و نشاط را در مدارس تقویت و خلاقیت‌ها را پرورش دهند، افزود: استان البرز با جمعیت دانش آموزی ۵۳۰ هزار نفر نیاز به تامین نیرو در حوزه پرورشی دارد. معاون پرورشی و فرهنگی آموزش و پرورش البرز

استاندار البرز در دیدار با شهردار و معاونان وی، بر ضرورت تعامل شورا و شهرداری، شجاعت در تصمیم‌گیری‌های قانونی، تمرکز بر محلات کم‌برخوردار، ارتقای پاسخگویی و توسعه درآمد‌های پایدار شهری تأکید کرد و گفت: فرصت باقی‌مانده باید به رضایتمندی مردم تبدیل شود. شهردار و معاونان شهرداری کلان‌شهر کرج به مناسبت هفته دولت با حضور در دفتر استاندار البرز با وی دیدار کردند.

در این نشست، مجتبی عبداللهی، استاندار البرز ضمن تبریک ایام و بزرگداشت یاد شهیدان رجایی و باهنر، بر لزوم هم‌افزایی شورا و شهرداری، سرعت عمل در تصمیم‌گیری‌های قانونی، تمرکز بر محلات کم‌برخوردار، ارتقای پاسخگویی و افزایش درآمد‌های پایدار شهری تأکید کرد و گفت: هر تصمیمی که به نفع مردم است، باید با شجاعت و دقت گرفته شده و در چارچوب قانون اجرا شود.

استاندار البرز با اشاره به ظرفیت ویژه مدیریت شهری در تصمیم‌سازی و اجرای سریع مصوبات، تعامل مستمر بین شورای اسلامی شهر و شهرداری را «رمز موفقیت و رضایتمندی عمومی» دانست و افزود: دوره مسئولیت به‌سرعت می‌گذرد؛ در ماه‌های پیش‌رو باید



گیلان

نمایشگاهی برای بازخوانی معنای مقاومت؛

از قاب موزه تا میدان جامعه

فرزاسدی

افتتاح نمایشگاه فرهنگی‌هنری «روایت پرچمداران» در باغ‌موزه دفاع مقدس رشت، نه فقط یک آیین یادبود از شهدای گیلان، که فرصتی است برای بازخوانی حافظهٔ جمعی، گفت‌وگوی میان نسل‌ها، و احیای پرسش‌های بنیادین دربارهٔ نسبت جامعه امروز با میراث ایثار و مقاومت. چنین رویدادهایی، اگر فراتر از مراسم تشریفاتی دیده‌شوند، می‌توانند به‌سنتری برای تأمل جامعه‌شناسانه و حتی اقتصاد سیاسی دربارهٔ پیوند میان گذشته و حال بدل شوند؛ پیوندی که همواره در جوامع در حال گذار، تعیین‌کننده هویت و مسیر آینده است.

گیلان با ۸ هزار شهید، یکی از کلان‌های تاریخی مقاومت و ایستادگی در ایران معاصر است. نمایشگاه تازه‌گشوده شده، با چهار بخش متنوع از جمله «جهاد تبیین»، «عدوات و امکانات نظامی» و «معرفی قله‌های حماسه»، عملاً ترکیبی است از موزنگاری سنتی و رویکردهای مدرن مانند بازسازی تصاویر شهدا با هوش مصنوعی. این تلفیق، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه فناوری می‌تواند در خدمت بازآفرینی حافظه تاریخی قرار گیرد؛ اما همزمان پرسش‌هایی جدی نیز پیش می‌کشد: آیا صرفاً بازسازی تصویری، کفایت می‌کند یا نیازمند بازآفرینی گفت‌وگو و معنا در بستر اجتماعی هستیم؟ ازمنظر جامعه‌شناسی حافظه، چنین نمایشگاه‌هایی کارکردی دوگانه دارند: هم یادآوری و تثبیت گذشته، و هم ایجاد امکان بازاندیشی دربارهٔ جایگاه کنونی جامعه. وصیت‌نامه‌ها و دست‌نوشته‌های شهدا که در غرفه‌ها در معرض دید عموم قرار گرفته‌اند، نه فقط اسناد شخصی، که اسناد تاریخی‌اند؛ گواهی‌ای زنده از انسان‌هایی که مرگ را به آگاهی و انتخاب بدل کردند. مواجهه نسل جوان با این متون می‌تواند نوعی گفت‌وگوی میان‌نسلی را زنده کند، مشروط بر آن‌که زبان روایت، به روز و ارتباطی باشد. از سوی دیگر، حضور اجلاس‌های تخصصی (شهدای زن، طلاب، پیشکسوتان جهاد، ورزش و جوانان) حاکی از تلاش برای بازنمایی چندلایه از نقش‌آفرینی گروه‌های اجتماعی در دفاع مقدس است. این رویکرد، با مفاهیم جدیدی چون «تنوع روایت» و «چندصدایی تاریخی» هم‌راستا می‌شود؛ چراکه تاریخ، نه محصول یک صدا، بلکه برآیند چندین تجربه زیسته است. در اینجاست که برپایی نمایش‌های میدانی مانند «از تیار باران» معنا می‌یابد: نوعی روایت‌گری زنده که می‌کوشد از دل هنر، تجربه‌ای عاطفی و مشترک خلق کند. با این حال، تحلیل انتقادی ما را به یک پرسش اساسی می‌رساند: این کنگره و نمایشگاه، در نهایت چه نسبتی با زندگی امروز مردم دارد؟ در شرایطی که جامعه ایران با بحران‌های معیشتی، بیکاری جوانان، و شکاف‌های نسلی دست‌به‌گریبان است، صرف‌یادآوری گذشته بدون اتصال به مسائل کنونی، خطر تهی‌شدن از معنا را در پی دارد. تاریخ، تنها زمانی زنده است که بتواند چراغی برای اکنون و آینده بیفروزد.

رئیس مرکز مشارکت‌های مردمی و توسعه ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی سازمان بهزیستی گفت: صاحبان امتیاز موسسات خیریه تحت نظارت سازمان بهزیستی کشور می‌توانند برای ثبت‌نام در دومین جشنواره «نشان نیکوکاری» به صورت اینترنتی اقدام کنند.

سید محمد جواد حسینی افزود: دومین جشنواره ملی نشان نیکوکاری با هدف معرفی تشکل‌های خیریه برتر، ارزیابی

سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۸۳

نصف‌جهان

بحران زاینده‌رود ریشه در سیاست‌های فرسوده دارد؛

آبی که قربانی سیاست شد!

باسمن بزذانی

زاینده‌رود، شاه‌رگ حیاتی فلات مرکزی ایران، سال‌هاست که از نفس افتاده است؛ خشکی آن نه‌تنها چشم‌انداز تاریخی و فرهنگی اصفهان را تهدید می‌کند، بلکه بحران فرونشست زمین و فروپاشی زیست‌پذیری شهری را نیز به نقطه‌ای بی‌سابقه رسانده است. ولیکن پرسش اساسی اینجااست: آیا مشکل تنها در کمبود بارش و تغییر اقلیم است یا در الگوی حکمرانی آبی کشور که با بارگذاری‌های بی‌محایا، برداشت‌های بی‌ضابطه و بی‌توجهی به موازنه‌های اجتماعی و اقتصادی، رودخانه را به مرگ تدریجی رسانده است؟ پاسخ کارشناسان روشن است: «اصلاح حکمرانی آب» کلید بازگشت زندگی به زاینده‌رود است.

خشکی زاینده‌رود را نمی‌توان صرفاً یک پدیده طبیعی یا اتفاقی مقطعی دانست. آنچه امروز شاهدیم، محصول دهه‌ها تصمیم‌گیری‌های ناهماهنگ، سیاست‌گذاری‌های مقطعی و عدم مدیریت یکپارچه منابع آب است. جامعه‌شناسان محیط‌زیست اصطلاحی دارند: «بحران‌های طبیعی، اغلب ریشه‌ای اجتماعی دارند.» یعنی رودخانه‌ای خشک، نشانه یک نظام معیوب حکمرانی است.

مفهوم «حکمرانی آب» تنها به وزارت نیرو یا یک نهاد اجرایی محدود نمی‌شود. بلکه شبکه‌ای از روابط میان دولت، مجلس، وزارت جهاد کشاورزی، نهادهای محلی، صنایع و حتی جوامع کشاورزی و شهری است. مشکل اصلی در زاینده‌رود، فقدان شفافیت و نبود یک نهاد بالادستی هماهنگ‌کننده است. تصمیم‌های پراکنده، امتیازدهی‌های بخشی و تسلیم شدن در برابر فشارهای سیاسی محلی، عملاً رودخانه را به میدان رقابت‌های منطقه‌ای بدل کرده است. اقتصاد سیاسی ماجرای زاینده‌رود روشن می‌کند که آب نه به‌عنوان منبعی محدود و حیاتی، بلکه به مثابه «رانت» میان گروه‌های ذی‌نفوذ توزیع شده است. طی سه دهه اخیر، صدها پروژه انتقال آب و توسعه کشت‌های پربابر در بالادست، بدون درنظر گرفتن ظرفیت رودخانه، تصویب و اجرا شده است. در حالی که هر مترمکعب آب در این حوزه، معادل امنیت زیست‌محیطی و اجتماعی برای میلیون‌ها شهروند اصفهانی است، اما نگاه کوتاه‌مدت سیاسی، آن را به امتیازی انتخاباتی یا اقتصادی تقلیل داده است. نتیجه، چیزی جز فروپاشی اکولوژیک و مهاجرت‌های اجباری در آینده نیست.

فرونشست زمین در اصفهان -که کارشناسان آن را «زلزله خاموش» می‌نامند- مستقیماً محصول افت بی‌سابقه سطح آب‌های زیرزمینی است. دشت اصفهان دیگر تغذیه نمی‌شود، زیرا زاینده‌رود به جای جریان دائمی، به کانالی خشک بدل شده است. به زبان دیگر، آنچه در شهر به چشم می‌آید، ترک‌های زمین، نشانه‌ای از ترک در نظام حکمرانی است. این بحران زیست‌محیطی، زنگ خطری جدی برای آثار تاریخی مانند سی‌وسپل و میدان نقش‌جهان و برای خود سکونت انسانی در منطقه است.

زاینده‌رود صرفاً یک رودخانه نیست؛ بستر شکل‌گیری مکتب اصفهان در هنر، موسیقی و صنایع‌دستی است. حیات فرهنگی این شهر با ریتم جاری آب پیوند خورده است. خشکی رودخانه نه‌فقط بحران محیطی، که فروپاشی حافظه جمعی و از بین رفتن سرمایه نمادین شهری است. به تعبیر جامعه‌شناس فرانسوی پیر بوردیو، آنچه نابود می‌شود، «سرمایه فرهنگی» یک ملت است؛ سرمایه‌ای که قابل احیا با هیچ بودجه‌ای نیست. یکی از دلایل تداوم بحران، «عادی‌سازی» آن است. برای مسئولان فراستانی، بحران زاینده‌رود به قصه‌ای تکراری بدل شده؛ همان‌گونه که بحران دریاچه ارومیه یا کارون به روایت‌های روزمره رسانه‌ای تنزل یافت. این واکنسیاسیون روانی، اراده سیاسی را فلج کرده است؛ اما واقعیت این است که بدون تدوین یک «پیمان ملی آب»، هیچ راهکارِ عملی نخواهد بود. این پیمان باید مبتنی بر مدیریت یکپارچه حوضه آبریز، کنترل برداشت‌های غیرمجاز و ایجاد جریان حداقلی پایدار در رودخانه باشد. اگر همین روند ادامه یابد، زاینده‌رود تنها به یک خاطره بدل خواهد شد و اصفهان به شهری غیرقابل زیست، اما اگر اصلاح حکمرانی آب در دستور کار قرار گیرد، امکان احیا همچنان وجود دارد. فعال‌سازی پروژه‌های نیمه‌تمام انتقال آب، محدودسازی کشت‌های پرمصرف، استفاده از فناوری‌های نوین آبیاری و مهم‌تر از همه، ایجاد شفافیت در تخصیص منابع، می‌تواند نخستین گام‌ها باشد.

زاینده‌رود آینه‌ای است که تمام ضعف‌های حکمرانی آب در ایران را نشان می‌دهد. خشکی آن، خشکی رابطه میان سیاست‌گذاری و واقعیت‌های طبیعی است. فرونشست زمین، فرونشست اعتماد مردم به نظام مدیریتی را بازتاب می‌دهد. و فروپاشی اکوسیستم، هشدار فروپاشی اجتماعی و تمدنی است. پرسش نهایی این است: آیا تصمیم‌گیران حاضرند برای نجات این شاه‌رگ حیاتی، از منافع بخشی و کوتاه‌مدت عبور کنند و به مصلحت ملی و تاریخی تن دهند؟ اگر پاسخ منفی باشد، تاریخ با قاطعیت خواهد نوشت: اصفهان نه به دست دشمنان خارجی، که به دست بی‌کفایتی مدیریتی از پا درآمد.

علمی، تقدیر ملی از افرادی که با اقدامات خیرخواهانه به افراد نیازمند جامعه کمک می‌کنند، پاییز امسال برگزار می‌شود.

رئیس مرکز مشارکت‌های مردمی و توسعه ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی سازمان بهزیستی خاطرنشان کرد: صاحبان امتیاز موسسات خیریه تحت نظارت سازمان بهزیستی کشور می‌توانند برای ثبت‌نام در دومین جشنواره نشان نیکوکاری از

خیریه‌ها در دومین جشنواره «نشان نیکوکاری» ثبت نام کنند

طریق آدرس اینترنتی neshanenikookari.ir اقدام کنند. به گفته وی جشنواره ملی نشان نیکوکاری سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان یکی از رویدادهای شاخص حوزه فعالیت‌های خیریه در کشور شناخته می‌شود و این جشنواره امسال برای دومین سال پیاپی برگزار می‌شود. حسینی اظهار داشت: با توجه به فعالیت‌های مهم موسسات خیریه در سطح کشور و بهره مندی افراد نیازمند از خدمات

دنیاکسوادار

ایران، فاتح سومین جام قهرمانی جوانان جهان؛

قهرمانی در سایهٔ غیرت ایرانی

اصغرقلندری

قهرمانی شورانگیز و افتخارآفرین جوانان زیر ۲۱ سال ایران در مهم‌ترین آوردگاه جهانی، بار دیگر ریشه در غیرت ایرانی داشت.

جوانان سلحشور و غیرتمند تیم ملی والیبال با برافراشتن پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران در سالن «ژانگین» چین، سومین جام قهرمانی جهان را فتح کردند و با کسب مدال طلای رقابت‌ها، دل مردم شریف ایران و جامعه ورزش به‌ویژه هواداران پرشمار والیبال- را شاد ساختند.

مردان جوان تیم ملی در جدالی تماشایی و تحسین‌برانگیز، تیم مدعی و قدرتمند ایتالیا را به زانو درآوردند. این قهرمانی بدون شکست، نشان داد والیبال ایران سرشار از استعدادهای ناب و برومندی است که می‌توانند آینده تیم ملی بزرگسالان را تضمین کنند؛ البته این مسیر در صورتی ادامه خواهد داشت که حمایت‌های لازم صورت گیرد. مقامات عالی کشور به‌ویژه احمد دنیامالی وزیر ورزش و شروین اسبقیان معاون توسعه ورزش- باید بیش از پیش پشتیبان فدراسیون والیبال باشند؛ چرا که مدال طلای جهانی در رشته محبوب والیبال، ارزشی بس بزرگ دارد. همچنین نگاه ویژه مسئولان فدراسیون، به‌خصوص آقای تقوی رئیس فدراسیون، می‌تواند بستری هموار برای رشد این نسل خوش‌تکنیک و پرانگیزه فراهم آورد تا دومین نسل طلایی والیبال ایران در میادین بین‌المللی و لیگ ملت‌های جهان حضوری مقتدرانه و ماندگار داشته باشد.

کاری کردند کارستان

جوانان زیر ۲۱ سال ایران، تنها تیم بی‌باخت این دوره از رقابت‌ها، در فینال برابر ایتالیا -تیمی قدرتمند و همواره مدعی و والیبال جهان- کاری کردند کارستان! این تیم که برای نخستین بار در یک تورنمنت جهانی

نکار سلحشور

وقتی ۵۷۰ پرستار در یک سال کشور را ترک می‌کنند، ما با یک آمار خشک و بی‌روح طرف نیستیم؛ با فرار «امید» مواجهیم. پرستار فقط یک نیروی کار نیست؛ او سرمایه‌ای استراتژیک در قلب نظام سلامت است. مهاجرت پرستاران در ایران دیگر صرفاً یک تصمیم فردی برای بهبود معیشت نیست؛ پدیده‌ای است ساختاری که ریشه در اقتصاد سیاسی درمان، ناکارآمدی سیاست‌های منابع انسانی و نادیده‌نگاری جایگاه صنفی دارد. اگر این روند ادامه یابد، با فروپاشی تدریجی ستون فقرات نظام درمانی روبرو خواهیم شد؛ بحرانی که نه در قالب آمار و نمودار بلکه در اتاق‌های بیمارستان، پشت تخت‌های خالی و بر بالین بیماران عیان می‌شود.

سرمایه انسانی یا نیروی مصرف‌شده؟

مهاجرت ۵۷۰ پرستار تنها در یک سال، معادل خروج میلیاردها تومان سرمایه آموزش است. این رقم -که معاون پرستاری وزارت بهداشت آن را ۴ هزار میلیارد تومان تخمین زده- بیانگر چیزی بیش از هزینه مالی است. جامعه‌شناسان از این وضعیت با تعبیر «خروج مغز و دل» یاد می‌کنند: یعنی هم از دست دادن دانش تخصصی و هم از دست رفتن ظرفیت عاطفی و مراقبتی. در کشوری که سال‌ها از کمبود پرستار رنج می‌برد، این مهاجرت‌ها شکافی پرنشدنی در خط مقدم سلامت ایجاد می‌کند. پرستار در ایران اغلب به‌جای آن‌که به‌عنوان بازیگر اصلی سلامت دیده شود، به یک نیروی جانبی تقلیل یافته است. عدم اجرای کامل تعرفه پرستاری، ناهماهنگی در پرداخت‌ها و محدودیت در اضافه‌کار، همه نشانه‌های یک نظام سلامت

طریق آدرس اینترنتی neshanenikookari.ir اقدام کنند.

به گفته وی جشنواره ملی نشان نیکوکاری سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان یکی از رویدادهای شاخص حوزه فعالیت‌های خیریه در کشور شناخته می‌شود و این جشنواره امسال برای دومین سال پیاپی برگزار می‌شود.

حسینی اظهار داشت: با توجه به فعالیت‌های مهم موسسات خیریه در سطح کشور و بهره مندی افراد نیازمند از خدمات

جهانی زیر ۲۱ سال را به خود اختصاص دادند.

در دیدار پایانی، بدون اغراق، عمران کوکجلی پاسور پنجه‌طلابی تیم، سید متین حسینی و طاه‌ا بهبودنیا نقشی اساسی در قهرمانی جوانان ایران ایفا کردند. در کنار این سه بازیکن شاخص، علی ممبینی، شایان محرابی، پویا آریاخواه، آرمین قلیچ‌نیزی و سید مرتضی طباطبایی (لیبروی آینده‌دار) نیز نمایش‌های چشم‌نواز و تحسین‌برانگیزی داشتند.

به‌ویژه سید متین حسینی، ستاره بی‌چون‌وچرا و چهره درخشان میدان بود؛ بازیکنی شش‌دانگ که در همه پُست‌ها -به‌خصوص در سرویس‌های پرقدرت- فوق‌العاده ظاهر شد. سرویس‌های او نه‌تنها بدون خطا بود، بلکه بارها ساختار تیم ایتالیا را از هم پاشید. از سوی دیگر، بازی درخشان شایان محرابی در دفاع روی تور نیز سهم بزرگی در کسب امتیازهای سرنوشت‌ساز داشت. ترکیب اولیه تیم ملی ایران در فینال برابر ایتالیا چنین بود: عمران کوکجلی، آرین محمودی‌نژاد، طاه‌ا بهبودنیا، علی ممبینی، آرمین قلیچ‌نیزی، سید متین حسینی و سید مرتضی طباطبایی (لیبرو).

تیم رویایی مسابقات والیبال قهرمانی زیر ۲۱ سال جهان۲۰۲۵ بهترین پاسور: عمران کوکجلی (ایران) بهترین پشت‌خط‌زن: توماسو باروتو (ایتالیا)

آن‌ها، حضور در این جشنواره می‌تواند گامی در جهت گسترش فرهنگ خیر و احسان باشد.

براساس این گزارش، نخستین جشنواره اعطای نشان نیکوکاری سازمان اوقاف و امور خیریه کشور با هدف تجلیل از خدمات موسسات خیریه دارای مجوز سال گذشته برگزار شد و دومین دوره این جشنواره پاییز سال جاری برگزار می‌شود.



جمعه

توپ‌وتور



بهترین قدرتی‌زن‌ها: سید متین حسینی (ایران)، سین کلی (آمریکا)
بهترین سرعتی‌زن‌ها: طاه‌ا بهبودنیا (ایران)، پار‌دو ماتی (ایتالیا)
بهترین لیبرو: سید مرتضی طباطبایی (ایران)
ارزشمندترین بازیکن (MVP): سید متین حسینی (ایران)

مردان جوان تیم‌ملی در جدالی تماشایی و تحسین‌برانگیز، تیم‌مدعی و قدرتمند ایتالیا را به‌زانو درآوردند. این قهرمانی بدون شکست، نشان داد والیبال ایران سرشار از استعداد‌های ناب و برومندی است که می‌توانند آینده تیم‌ملی بزرگسالان را تضمین کنند؛ البته این مسیر در صورتی ادامه خواهد داشت که حمایت‌های لازم صورت گیرد. مقامات عالی کشور -به‌ویژه احمد دنیامالی وزیر ورزش و شروین اسبقیان معاون توسعه ورزش- باید بیش از پیش پشتیبان فدراسیون والیبال باشند؛ چرا که مدال طلای جهانی در رشته محبوب والیبال، ارزشی بس بزرگ دارد.

خانهٔ ملت

مهریه بر سر دوراهی

سنت و مدرنیته

آرام بزرگمهر

بازخوانی دوبارهٔ بحث مهریه در صحن علنی مجلس، تنها یک اصلاح حقوقی محدود نیست؛ بلکه بازتابی از کشاکش عمیق‌تری است میان سنت‌های حقوقی-شرعی و الزامات اجتماعی-اقتصادی امروز ایران. در شرایطی که بحران معیشت، نابرابری جنسیتی، و چالش‌های ساختاری در دستگاه قضایی هر روز پیچیده‌تر می‌شوند، ورود مجلس به موضوع اصلاح قانون مهریه نه صرفاً اقدامی حقوقی بلکه یک نشانه سیاسی و اجتماعی است. مسئله اینجااست که هر اصلاحی در این حوزه، بر پیکرهٔ روابط خانوادگی، جایگاه زن در ساختار حقوقی، و حتی کارکرد اقتصادی نهاد خانواده تأثیر مستقیم خواهد داشت.

مهریه در بطن حقوق خانواده در ایران، همیشه یک تناقض بنیادین را در خود داشته است. از یک سو، آن را «ابزار حمایتی» از زن معرفی می‌کنند؛ میراثی تاریخی که قرار است توازن قدرت میان زن و مرد را در لحظه ازدواج برقرار کند. از سوی دیگر، در عمل به سازوکاری مالی و شبه‌معامله‌ای بدل شده که نه تنها تضمین‌گر امنیت زنان نیست، بلکه در بسیاری موارد فشار روانی و حقوقی بر دو طرف وارد می‌کند. آمار پرونده‌های قضایی و زندانیان مرتبط با مهریه، شاهدی گویاست بر این تناقض. طرح جدید مجلس در صدد است «نحوه اجرای محکومیت‌های مالی» و «برخی از احکام مهریه» را اصلاح کند. چنین اصلاحی را می‌توان در چارچوب «مدیریت‌رأسیون محافظه‌کارانه» تحلیل کرد: تلاشی برای به‌روزرسانی قوانین با کمترین تعارض با فقه سنتی. اما این روند همواره در مرز پارایی حرکت می‌کند: مرزی که یک سوی آن حقوق زنان است و سوی دیگر ملاحظات شرعی و سیاسی. از زاویهٔ فلسفه سیاسی نیز می‌توان گفت که مهریه نمادی است از چگونگی تعریف «حق» در نظام حقوقی ایران؛ حتی که در ظاهر برای حمایت از زنان ایجاد شده اما در عمل، به دلیل ساختار قدرت و اقتصاد سیاسی کشور، اغلب علیه همان زنان عمل می‌کند. آنچه مجلس امروز با عنوان «اصلاح قانون مهریه» دنبال می‌کند، آرمونی است برای سنجش میزان جسارت حاکمیت در مواجهه با تغییرات اجتماعی. آیا این اصلاح، تنها یک وصله‌پینه بر قانونی فرسوده خواهد بود یا می‌تواند گامی باشد به سوی بازاندیشی بنیادین در نظام حقوق خانواده؟ جامعه ایران دیگر با مُسکن‌های حقوقی آرام نمی‌گیرد. مخاطب امروز، نه یک وعده اصلاح جزئی، که تغییری ساختاری می‌خواهد: تغییری که کرامت زن و عدالت خانوادگی را نه در حد شعار، که در متن قانون بازتعریف کند. و اگر چنین اراده‌ای شکل نگیرد، این اصلاح نیز همچون بسیاری از اصلاحات پیشین، به سرعت به ابزاری برای فرسایش اعتماد عمومی بدل خواهد شد.

گزارش



همچون نبود عدالت در توزیع منابع مالی، ضعف امکانات رفاهی و نادیده گرفتن جایگاه علمی اشاره کرده‌اند؛ اما مسئله اصلی، «شنیده نشدن» این صداهاست. در جامعه‌ای که صدای پرستار شنیده نمی‌شود، نتیجه، بحران اعتماد عمومی است. این همان نقطه‌ای است که بحران صنفی به بحران اجتماعی و سپس به بحران سیاسی تبدیل می‌شود.

مهاجرت پرستاران، تنها جابه‌جایی نیروی کار نیست؛ مهاجرت امید، دانش و سرمایه اجتماعی است. بیمارستان‌ها بدون پرستار، به ساختمان‌هایی خاموش بدل می‌شوند که حتی پیشرفت‌ترین تجهیزات پزشکی نیز نمی‌توانند جای خالی «مراقبت انسانی» را پر کنند. زنگ خطر به صدا درآمده است: با سیاست‌گذاران با اقدامات عاجل و عمیق، پرستاری را به جایگاه واقعی خود بازمی‌گردانند. یا باید آماده باشند هزینه‌های جبران‌ناپذیر این بی‌توجهی را با سلامت نسل‌ها بپردازند.

هستند که پرستار را نه به‌عنوان «سرمایه»، بلکه به‌عنوان «هزینه» می‌بیند. نتیجه روشن است: وقتی نیروی متخصص احساس کند ارزشش در سطحی کمتر از کار واقعی‌اش محاسبه می‌شود، به دنبال بازاری خواهد رفت که برای او شأن حرفه‌ای قائل است. از همین روست که کشورهای توسعه‌یافته با بسته‌های حمایتی و حقوقی، پرستاران ایرانی را جذب می‌کنند.

فروسودگی پرستاران را نمی‌توان فقط با واژه «خستگی» توصیف کرد. آن‌ها در یک چرخه بی‌پایان کار طاقت‌فرسا، فشار روانی و بی‌ثباتی مالی گرفتار شده‌اند. نظریه‌های جامعه‌شناختی «فروسودگی نهادی» نشان می‌دهند که وقتی نظام‌ها به‌جای حمایت، فشار مضاعف بر نیروهای خود وارد می‌کنند، افراد ابتدا از درون تهی می‌شوند و سپس به بیرون می‌گریزند. این فرار، تنها به معنای تغییر شغل یا مهاجرت نیست؛ به معنای گسست اعتماد اجتماعی نسبت به کارکرد نظام سلامت است.

پیشنهاد‌های اضطراری یا مسکن موقت؟

ایده‌هایی همچون برگزاری دوره‌های یک‌ساله برای تربیت نیروهای چندمنظوره، در ظاهر پاسخی سریع به بحران کمبود نیروست، اما چنین طرح‌هایی بیش از آن‌که راه‌حل باشد، شبیه مسکن موقت است. پرستاری یک حرفه تخصصی با بار عظیم علمی، اخلاقی و روانی است. تربیت کوتاه‌مدت نیروهای «چندمنظوره» ممکن است از شدت بحران بکاهد، اما در بلندمدت به کاهش کیفیت مراقبت و افزایش خطاهای پزشکی می‌انجامد. آنچه نیاز است، بازاندیشی ریشه‌ای در سیاست‌های منابع انسانی است، نه راه‌حل‌های کوتاه‌مدت. پرستاران در نشست‌های صنفی بارها به مشکلاتی

فناوری

طبیعی قلب که خطر سکته مغزی را افزایش می‌دهد) در این بیماران ۳.۵ برابر بیشتر بود؛ احتمال تشخیص بیماری دریچه قلب (که در آن یک یا چند دریچه قلب به‌درستی کار نمی‌کند) نیز تقریباً دو برابر افزایش یافت. این دستگاه که تقریباً به اندازه یک کارت بازی است، روی قفسه سینه بیمار قرار می‌گیرد تا نوار قلب بگیرد و هم‌زمان صدای جریان خون در قلب را ضبط کند. و اطلاعات به صورت امن به فضای ابری فرستاده و با الگوریتم‌های هوش مصنوعی که روی داده‌های ده‌ها هزار نفر آموزش دیده‌اند، تحلیل می‌شوند. نتیجه آزمایش بلافاصله به یک گوشی هوشمند ارسال می‌شود.

تغییرات ظریف ضربان قلب و جریان خون را که برای گوش انسان تشخیص‌ناپذیر هستند، تجزیه و تحلیل کند و هم‌زمان نوار قلب (ECG) سریعی نیز بگیرد. پژوهشگران امپیرال کالج لندن و سامانه بهداشت و درمان انگلیس (NHS)، این گوشی هوشمند را در بیش از ۴۰۰ مطب پزشک عمومی و با مشارکت بیش از ۱.۵ میلیون بیمار دچار علائمی مانند تنگی نفس یا خستگی انجام دادند. نتایج نشان داد: احتمال تشخیص نارسایی قلبی در بیماران‌ی که با این فناوری معاینه شدند، دو برابر بیشتر بود؛ احتمال تشخیص فیبریلاسیون دهلیزی (ریتم غیر

نتایج یک آزمایش واقعی که در کنگره سالانه انجمن قلب اروپا ارائه شد، نشان می‌دهد یک گوشی پزشکی مجهز به هوش مصنوعی می‌تواند تنها در ۱۵ ثانیه به پزشکان در تشخیص سه بیماری قلبی کمک کند و جان هزاران نفر را نجات دهد.

به گزارش «دنیای هوادار»، وبگاه میدیکال اکسپرس در گزارشی آورده است:

گوشی پزشکی که در سال ۱۸۱۶ میلادی اختراع شد، بخشی حیاتی از جعبه‌ابزار پزشکان است که برای گوش‌دالن به صداهای درون بدن استفاده می‌شود؛ اما این گوشی پزشکی هوشمند قادر است علاوه بر این،



سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۸۳

مهدی تیموری

ابتدا.

اشکال متعدد هنر در جوامع صاحب‌هنر، تأثیراتی انبوه از وضع سیاسی و حکمرانی می‌پذیرند. چه‌بسا فرزندان خلف/ناخلف همان‌ها بشمار می‌روند. بر کسی پوشیده نیست که شکل‌گیری «موج نوی فرانسه» نیز، بیش از هرچیزی تحت تأثیر وضعیت فرهنگی و اقتصادی شکندۀ فرانسهٔ پساجنگ دوم است. نخستین دهۀ سینمای پساجنگ(و اشغال) با بازگشت اغراق‌آمیز و همه‌جانبه به سنت دهۀ سی و چهل سینمای این‌کشور در ساخت فیلم‌های اصطلاحاً «فاخر»(۱)، «آبرومند» و «استاندارد» همراه بود. سراسر اقتباس. و سراسر حکمرانی مطلق فیلم‌نامه و فیلم‌نامه‌نویس. رمانتی‌سیسم گلوگیر و ملامال از دل‌داده‌های یکنواخت با سرنوشت و پایانی تلخ و البته یکسان و طراحی‌صحنه‌های سنگین همچنان دست بالا را داشتند و هیچ تهیه‌کنندۀای را هم جرأت و جسارت ریسک‌پذیری نبود. چندی بعد، با انتشار گزارش نتایج نظرسنجی بزرگ «مؤسسهٔ افکار عمومی » از سوی «فرانسواز ژیرو» جریان میل به «نوگرایی» وارد مرحلهٔ تازه‌ای شد و در نهایت، درحالی با واکنش آمیخته به عصبان چندین منتقد-فیلم‌ساز جوان علیه سینمای پدران و سنت‌کیفیت به شکوفایی رسید، که پیش از آن آکنده از رخوت بود و تنبیل‌شدگی فیلم‌سازان در روی‌آوردن به رونویسی‌های سطح پایین و بازاری از نسخه‌های پرشمار تم سنتی داستان‌های عاشقانه و تریلرهای مبتنی بر قضا و قدر.

هرگاه که پای موج نو به میان می‌آید، بر سر نقطهٔ آغاز، حادثهٔ انگیزنده یا نقطه‌عطف نخست این‌جنبش، تنوع و تکرر آرا موج می‌زند. نگارنده نیز ترجیح می‌دهد با عبور از مقالهٔ مهم و جریان‌ساز «دوربین‌قلم» آستروک و تأثیرات «آندره بازن» عزیز، که اغل سهوا از سر بی‌حوصلگی یا چیزهایی دیگر، تام و تمام «نگرهٔ مؤلف» به او نسبت داده می‌شود، مستقیم‌تر به کله‌خواب‌های اغلب هم‌سن‌وسال خاص‌ترین نسل تاریخ کایه دو بپردازد.

«هر فیلمی تنها یک مؤلف دارد و او کسی جز کارگردان نیست. نقش فیلم‌نامه‌نویس به‌مثابهٔ سرنمشأ خلاق اثر پذیرفتنی نیست، او جز تهیهٔ مادهٔ خام برای مؤلف کاری نمی‌کند».

مایلم بگویم که همه‌چیز از آنجا شروع شد، با دست‌کم سرعت و شتاب بیشتری گرفت. جوانک ۲۲ ساله‌ای که زمان زیادی از سبزشدن پشت لبش نمی‌گذشت، به‌سال ۱۹۵۴ در مقاله‌ای جنجال‌برانگیز با سرتیتر «گرایشی خاص در سینمای فرانسه» ضمن یکی‌کردن بالا و پایین سینما و فیلم‌سازان نامی و شهیر وقت، ابعاد تازه‌تری به مواضع تنویریک الکساندر آستروک اضافه کرد. مقاله آنچنان ثند، آتشین و جدلی بود که بدلیل آنچه که «هتاکانه» نسبت به فیلم‌سازی نظیر رنه کلمان، مارسل پالی‌برو، کلود اوتان‌لارا و غیره - که جایگاه قدسی و مهمی نزد اغلب منتقدان وقت داشتند - قلمداد می‌شد، تا چندین‌ماه، ضربرد قرمز «عدم انتشار» پی‌یر کاست، دونیول والکروز و آندره بازن و دیگران را بالای صفحه‌اش می‌دید. نهایتاً، مقالهٔ ججال‌ساز فرانسوا تروفو منتشر شد و مقدمات تحسین‌برانگیزی در ایجاد باب تازه‌ای پیرامون گسترده‌تر ساختن نگرهٔ مؤلف فراهم کرد، که بی‌شک به سکوی پرتابی برای تثبیت این‌قاعده بدل شد. قاعده‌ای که سال‌های بعد همراه با ژان لوک، انیس، کلود، اریک و ژاک رفته‌رفته پایه‌گذاری کردند و دیگریانی هم به جمع‌شان پیوستند.

با این‌مقدمهٔ کوتاه و عبور از نام‌های جدی و بزرگ دیگر، تمرکزم را معطوف به سینماگری می‌کنم که پس از فارغ‌التحصیلی از رشتهٔ سینما، کارش را با دستیاری در فیلم‌های صنعتی-تبلیغاتی، انیمیشن‌های کوتاه و مستند آغازید. در ادامه، چند فیلم کوتاه شایستهٔ توجه بر اساس نمایش‌نامه‌های ژان کوکتو ساخت. نخستین فیلم بلندش را تنها کمی بعد از چهارصد ضربه و از نفس افتاده کلید زد و به ارکان رساند: لولا(۱۹۶۱).

نوشتن از یک ماخوذ به‌حیای بی سروصدا در میان آن‌همه سرخ‌زبان با ادعاهای بلند، توامان پیچیده، لذت‌بخش و رازناک است. شیوهٔ کارگردانی شکوهمندش در اجرای صحنه‌های پر زرق و برق با تأکیدات بصری بر جزئیات بی‌نظیر و فراوان در کنار قصه‌های تک‌خطی و بغایت ساده‌وا با نگاهی بدبینانه حتی لوس یا مبتذل(۱) او را تا حد زیادی از صف سایر شورشی‌های پرسروصدای موج نو جدا می‌کند: بزرگ‌شدهٔ نانت فرانسه، ژاک دمی.

میانه.

از مدت‌ها پیش که خوانش و مطالعهٔ جدی‌تری را بر فیلم‌ها و فیلم‌سازان موج نو آغاز کردم، همواره در گوشهٔ ذهنم پی پاسخی درخور و منطقی برای این‌حجم از مهجور بودن ژاک دمی می‌گشتم. درحالی‌که او شماری از مهم‌ترین فیلم‌های همان‌دوره و اصلا یکی از ممتازترین موزیکال‌های تاریخ سینما(چترهای شربورگ) را ساخته،

رهبر ارکستر سازهای ایرانی «سلانه» اعلام کرد: اجرای این ارکستر در تاریخ ۱۱ و ۱۲ شهریورماه به استاد بزرگ موسیقی احمد پژمان تقدیم می‌شود.

دانیال شامحمدی نبی گفت: گروه موسیقی سلانه در سال ۱۳۹۷ توسط دانشجویان دانشگاه علمی کاربردی تأسیس شد. در ابتدا، اعضا با قطعات ساده و با امکانات محدود شروع به فعالیت کردند. در سال‌های مختلف دانشگاهی مانند سالن سورنا، دانشگاه هنر، دانشگاه

گزاره‌هایی در باب سینمای فرانسه، ژاک دمی و دیگران؛

موسیوِ دمی و پایان‌های تلخ بی‌پایان

اما همان‌طور که در عصر شکوفایی موج نو هم مهجور بود و کم سروصدا، همچنان و با گذشت شش‌دهه و اندی، نام دهن‌پرکن و چندان جذاب‌ایم برای منتقدان بنظر نمی‌آید و اصطلاحاً، فیلم‌هایش گزینهٔ مناسبی برای بحث حین صرف قهوه در میان روشنفکران محسوب نمی‌شوند! شاید بخشی از آن ناشی از پاستوریزه و ایزوله‌بودن بیش از حد بُعد فنی فیلم‌هایش باشد، ولیکن سوی تحلیل و گسترش این‌مسئله، تصور می‌کنم بیش از آنکه لازم باشد به چرایی‌اش بپردازم(که بخشی از این چرایی در مستندهای انیس واردا که دربارهٔ او ساخته افشا می‌شوند؛ از پیرامون میل شدیدش به سییر در فضاهای بجامانده از دوران کودکی، تمايلات جنسی‌اش، تا علت مرگ او بر اثر ایدز که تا سال‌ها پس از مرگش ناشکوف مانده بود)، پرسش اساسی‌تری در ذهنم خودنمایی می‌کند: آیا اصلا می‌توان ژاک دمی را در دستهٔ فیلم‌سازان موج نویی - در معنای رایج و ژورنالیستی‌اش - قرار داد؟! پاسخ نگارنده توامان بله و خیر است. از این‌منظر که تسلط مؤلف‌گونه او در روایت رمان‌محور فیلم‌ها و استفاده‌اش از بازیگران آماتور یا ناآشنا، مود آثارش را به‌سمت فیلم‌های فیلم‌سازان دیگر جنبش، نظیر شابرول، تروفو، همسرش واردا سوق می‌دهد، طبعاً او را در این‌دسته قرار می‌دهد، اما کار جایی پیچیده‌تر می‌شود که در تحلیل آثار او زد پررنگی از «دکوپاژهای قطعی» از پیش تعیین‌شده و ناپداه وجود دارند. در کنار آن، در شماری از فیلم‌هایش، از جمله شاخص‌ترینشان - چترهای شربورگ - پُر است از دکورهای مصنوعی و سکانس‌های پر زرق و برق پرشمار که از قضا، تمرکز عمدهٔ بانو صوتی‌اش هم بر روی صداگذاری پس از تولید است، تا صداپردازی سر صحنه(که این‌مسئله در کنار تدوین خطی و ساده‌اش، نافی قواعد رهایی‌بخش موج نو بشمار می‌آید). این‌نکته غیرقابل انکار است که یکایک موج نویی‌ها بر اثر شیفتگی به هیچ‌کاک‌هاست و اساساً سینماگران اسطوره‌ای آمریکا با به عرصهٔ فیلم‌سازی گذاشتند، تا آنجا که اریک رومر - از متفکرترین‌هاشان - بارها به‌صراحت اشاره کرده که «سینمای آمریکا حکم یک‌دستورالعمل و راهنما» را برایشان داشته، یا حتی خود گذار که پل‌یلم‌نودی از نفس افتاده‌اش را نعل به نعل و آشکارا از بوگارت نوازه‌های آمریکایی وام گرفته است. ولیکن چیزی که در سایر فیلم‌سازان موج وجود دارد و در دمی کمتر به چشم می‌آید، نگاه هجوآلود آن‌ها - خاصه گذار د-ر مواجهه با ایمان‌های آمریکایی و پارودی‌سازی از آن‌هاست. چیزی که تقریباً به‌هیچ‌روی در فیلم‌های دمی وجود ندارد، چرا که فیلم‌های او اساساً بطور مستقیم شباهت و رابطه‌ای آکنده از احترام و دور از تمسخر نسبت به نمونه‌های هالیوودی‌اش دارند. در ظاهر، دنیای دمی، فیلم به فیلم فاصلهٔ آگاهانه و بیشتری از رئالیسم رایج موج نویی‌ها می‌گرفت و تأکیدات بصری جهان او بر رنگ، لباس‌های مجلل، رقص و آواز تا آنجایی پیش رفت که گذار شیفتهٔ لولا که در سال اکرانش آن را در لیست ده‌فیلم برتر سال قرار داده بود چنان برآشفته کرد که گزارهٔ چند سال قبلش را پس گرفت و سینمای او را «کودکانه و احمقانه» با منطق مبتنی بر هالیوود و قصه‌های بافتنی توصیف کرد. با وجود فاکتور مهم «زمان»، اکنون قضاوت دربارهٔ آثار دمی بی‌نزدیکی به تعصب صورت می‌گیرد: فیلم‌هایی غالباً اصیل و بدون تاریخ‌مصرف که با عمق عاطفی و روانی جدی، روایتگر شخصیت‌های «جست‌وجوگر» در جهان صعبِ تنهایی‌ها و گره‌خوردگی‌ها.

انتها.

دمی همواره فیلم‌هایش را بر اساس یک فرض ساده پی‌ریزی و گسترده می‌کند: اینکه همهٔ ما نسبت به زندگی و تصادف‌های بی‌رحمانه‌اش که قرار است ما را در مسیرهایی پر پیچ و خم قرار دهد جاهلیم. و او، از همان‌ابتدای مسیر فیلم‌سازی‌اش جهان منحصربه‌فرد خودش را می‌سازد: تکیه بر تصادف در روایت و برخورد‌های سرنوشت‌ساز، شخصیت‌های بهم‌پیوسته که از این‌فیلم به فیلم بعدی‌اش کوچ می‌کنند، جهان رنگارنگ - نه لزوماً و صرفاً آن‌چیزی که در چترهای شربورگ در خاطراتن نقش‌یسته - و البته، عشق‌های اولیه و شورهای طوفانی در میان عبور و مرور رعدآسای خاطرات، و پایان‌های تلخ و واقع‌گرایانهٔ دور از ظاهر‌سازی فانتزی فیلم‌هایش و غیره، تنها بخشی از مؤلفه‌های روایی و اجرایی دمی مؤلف به‌حساب می‌آیند.

نخستین فیلمش، لولا را با کلاهی که از ابتدا در تیتراژش برای احترام به مکس اوفولس فقید از سر بر می‌دارد می‌آغازد، اما در ادامه، خیلی‌زودتر از حد تصور میان عشق‌بازی سینه‌فیلی با آثار محبوب با ادای احترام صرف در مقدمهٔ فیلم مزربندی می‌کند و مسیرش را به همان سمت جهان شخصی‌ای که قصد پایه‌گذاری‌اش را دارد سوق می‌دهد. جهانی که من آن را «سینمای عشق» - چندنان در معنای رایج آن - نام نهاده‌ام. سینمایی مسحورکننده از بلوغ تدریجی آدم‌ها، دل‌شکستگی‌هاشان و رفت و برگشت‌هاشان، که مایه‌های بنیادین آن را دو

تهران و سالن ارسباران اجرا داشتیم که که بیشتر به صورت غیررسمی و تمرینی بود.در طول زمان، گروه از حالت اولیه نوازندگی جمعی به ارکستر تبدیل شد. در ابتدا، اعضا به صورت سنتی کار می‌کردیم. به تدریج نقش رهبر ارکستر و تنظیم قطعات به اعضا اضافه شد؛ به عنوان مثال، من در پروژه‌های اولیه هم نوازنده بودم و هم رهبری می‌کردم، و در برخی موارد قطعاتی را که تنظیم می‌کردیم، به صورت ارکسترال اجرا می‌کردیم. رهبر ارکستر «سلانه» افزود: اولین اجرای رسمی

تقدیم کنسرت سازهای ایرانی به احمد پژمان

ارکستر«سلانه» مربوط سال ۱۴۰۳ در برج آزادی بود که مجموعه ای از محمدرضا فیاض و حمید متبسم آماده کردیم و اجرای پیش رو درواقع دومین اجرای رسمی این ارکستر است. به گفته وی ارکستر سازهای ایرانی «سلانه» با اجرای آثاری از آهنگسازان مطرح ایرانی ۱۱ و ۱۲ شهریورماه به در تالار رودکی به روی صحنه می رود. شامحمدی نبی در خصوص قطعات اجرایی در کنسرت پیش‌روی این ارکستر گفت: در این کنسرت قطعه «هنگام» از شریف لطفی و قطعه «خوشه‌چین»

دنیایک سه‌وادار

عنصر اساسی «تصادف» و «ابهام» سروشکل می‌بخشد. لولا(آنوک امه)، رقصندهٔ کافه-کاباره و مادر مجردی است که کشش و جذابیت‌های دلفریپ جنسی و ظاهری‌اش، طیف متنوعی از عشاق سینه‌چاکش در سنین مختلف را هر روز در کافه به‌صفت می‌کند تا شاید شائین یک‌شب همخوابگی با او سهمشان شود، درحالی‌که خود لولا همچنان به‌شکلی معصومانه بازگشت قریب‌الوقع(۲) یگانه عشق زندگی‌اش از آمریکا را انتظار می‌کشد و اصلی‌ترین دغدغه‌اش، تأمین ضروریات زندگی پسرپچه‌اش است.

از سوی دیگر، رولان کاسارد جوان که مارک میشل بازی‌اش می‌کند (بعدها، در چترهای شربورگ هم در همین‌نقش ظاهر شد) جوان آسمان‌جل بدون کسب و کاری است که بی‌هیچ انگیزهٔ خاصی نسبت به عالم و آدم روزگار می‌گذراند. برای رولان، هیچ‌چیز مهم‌تر از آزادی عمل نیست و از همین‌رو، درحالی ه‌رانکس که سعی در نصیحت‌اش داشته باشد را به‌هیچ‌وجه جدی نمی‌گیرد، که خودش نیز جاهل به مسیر و نقشهٔ زندگی و حرفهٔ نداشته‌اش(!) روزها را شب می‌کند و شب‌ها را روز(ابهام). او و لولا بطور اتفاقی در مسیر راهشان به یکدیگر می‌خورند(تصادف). لولای زیبا و دلفریپ قصه، شماییلی تصویرشده از قطعهٔ نئوباروک «آداجو در سل مینور» توماسو آلبینونی ایتالیایی است، که از لحظهٔ تصادم، رولان را به دوران پیش و حین حضورش در جنگ بازمی‌گرداند: برهه‌ای از زندگی‌اش که هنوز رنگ داشت و بو. ویولون می‌نواخت. شیفته و دلباختهٔ لولا بود. و همچنان در جست‌وجوی خوشبختی‌ای که آن‌زمان آن را محدود به رؤیای غیرممکن کودکان قلمداد نمی‌کرد. و جنگ هم بود. این بازیگری-بازیابی(رولان-لولا) چنان سایهٔ کاتالیزورگون بر چوه شخصیتی رولان می‌اندازد، که او را به تکاپوی جدی برای یافتن کسب‌وکار، بیدارشدن سر صبح و حتی رفتن به سفر کاری به آفریقای جنوبی می‌اندازد، اما چه سود که لولای عقل‌گرا با همهٔ عشق‌اش(احترام؟) به رولان، تنها شاه‌راه زندگی‌اش را در تداوم مسیر پیش از تصادم می‌داند. از آن‌طرف، در انتهای فیلم از سبسیل ۱۷ ساله هم بی‌خبریم. کجا رفته است؟ «شربورگ». برای آنکه رولان قصهٔ لولا، دست‌کم سه‌سال دیگر صبورى کند تا این‌بار پخته‌تر و در مقام تاجری ثروتمند، اوی بیست‌ساله از مادرش در زیر چترهای شربورگ ایستگاری کند.

به‌همین‌جهت، آثار این‌فیلم‌ساز نوعی بازیگرى‌اند در روایت داستان‌های آشنا(از فیلم‌های پیشین خودش). گاه حتی بازیگرانش هم ثابت‌اند و تنها خلقیاتشان است که همچون ما با پختگی بوسیلهٔ «زمان» دستخوش تغییر و تحول شده است. گاه بازیگرانش هم تغییر می‌کنند، اما این «واقعیت‌ها» هستند که همواره ثابت‌اند و موج تغییر هیچ‌گاه به آن‌ها نمی‌رسد. مخاطبان جدی‌تر هنر فیلم در مواجهه با سینمای ژاک دمی عمدتاً دو دسته‌اند: آن‌ها که می‌دانند دمی چترهای شربورگی هم ساخته و از قضا همسر خانم واردا هم بوده، پس لابد آدم مهمی در سینما به‌حساب می‌آمده که البته هیچ‌گاه میانهٔ خاصی با سینمای او نداشته‌اند! و آن‌ها که با اولین مواجهه‌شان (خصوصاً اگر به‌ترتیب و از لولا آغاز شود) دمی را در زمرهٔ اگر نگوییم محبوب‌ترین، دست‌کم خاص‌ترین فیلم‌سازهای لیست سینه‌فیلی‌شان جای می‌دهد. خاصیت جادویی دیگری در فیلم‌های او وجود دارد. همچون عبادتگاهی برای رفت و برگشت‌های هر از گاه(همچون رفت و برگشت‌های کاراکترهای فیلمش)، که موجبات میل و نیاز به تماشای مجدد فصلی یا سالانهٔ برخی از آثارش را فراهم می‌کند: اینکه با هر بار تماش، بتوانیم پیشرفت/پسرفت خودمان در مسیر زندگی را نیز ارزیابی کنیم. لولا و رولان، جین و کارون(خلیج فرشتگان -۱۹۶۳) و دیگران، هیچ‌گاه تغییر نمی‌کنند، بل چیزهای مهمی در هر سری از مواجههٔ ما با آن‌ها دستخوش تغییر یا دست‌کم چالش می‌شود، که به‌مثابهٔ سیر و سیاحتی در تاریخچهٔ شخصی، هر فرد را با پرسش و پاسخ‌های درونی‌اش در بازبینی هربارهٔ آن‌ها تنها می‌گذارد. این‌مقوله، از دیگر نکات چالش‌برانگیز، جذاب و تأمل‌بخش غالب فیلم‌های مؤلفی است، که درعین مؤلف مهم‌بودنش، هیچ‌گاه کوچک‌ترین زدی از تلاش مضاعف برای «پدیده‌شدن» در جای‌جای رفتار، کردار و آثارش یافت نمی‌شود.

پس از شکست مطلق لولا در گیشه و البته مؤفقیتش در جلب نظر منتقدان کایه دو و دیگر، فیلم دومش، خلیج فرشتگان را بلافاصله پس از ازدواج با انیس واردا ساخت. سینمای این‌زوج فیلم‌ساز دو خط موازی است که هیچ‌گاه به یکدیگر نمی‌رسند، اما با همهٔ تفاوت‌های فاحش و آشکاری که در ساختار، شیوهٔ روایت و حتی هادیت بازیگران آثار مستقل خودشان دارند، شباهت جالب توجهی در اغلب آثار دورهٔ نخست فیلم‌سازی هردیوشان وجود دارد: رجاع مستقیم به فیلم‌های پیشین خودشان(نمایه‌سازی)؛ از مستندها و فیلم‌های داستانی پرشمار واردا بگیریم، تا رولان کاسارد آسمان‌جلی که در دورهٔ فقر مادی‌اش سیسیل و مادرش را اول‌بار در

«کتاب‌فروشی» نانت که مشتری خوب و همیشگی‌اش بود پیدا کرد؛ و چند سال بعد، مادر ژنویهٔ در آستانهٔ ۲۰ سالگی را در «جواهرفروشی» شربورگ، که حال به مشتری دائمی و خوب جناب جواهرفروش بدل شده بود(اسکانیس شام در خانهٔ آن‌ها در تعریف از گذشتهٔ خودش ارجاع مستقیمی به لولای گمشده‌اش می‌دهد).

و اما خلیج فرشتگان. فیلم، روایت کارمند سادهٔ بانک با چنان لایف‌استایل سوبری است، که به‌مخض رویارویی با نخستین وسوسهٔ شیطانی همکارش برای «کمی خوشگذرانی و پول بیشتر درآوردن»، به‌بهانهٔ یافتن هیجان و معنای دیگر زندگی(ابهام) آنچنان عنان از کف می‌دهد که تمام نصیحت‌های پدرش پیرامون به خفت و خواری اقتدان قماربازانی که در طول زندگی به چشم دیده را هم به هیچ می‌گیرد (لاید او هم همچون رولان لولا از نصیحت منتفر است). در کنار او، ژن موروی خیره‌کننده نیز حضور دارد که بطرز حیرت‌انگیزی از تکانه‌های قماربازی(قمارباز اجباری!) رنج می‌برد. او قمار را نه برای پول، سرگرمی و غیره، که برای خود قمار و شهوت لمس ژژنون‌های ده و چندصنعتایی (یکجور فتیشیسم) بازی می‌کند و بی‌کوچکترین ابایی بابت از دست رفتن تمام ثروتش، از هر روزنه‌ای برای یک دست دیگر استفاده می‌کند. این‌دو بر حسب اتفاق(تصادف) در خلیج به یکدیگر می‌رسند و «کازینوی» عظیم و باشکوه منطقه توامان به معبد و قتلگاهشان بدل می‌شود: خُئک آن قماربازِی که بباخت آنچه بودش - پُئماند هیچیش الا هوس قمار دیگر.

دو نکتهٔ مهم دیگر در خوانش سینمای ژاک دمی به ذهنم خطور می‌کند. نخست شباهت‌های فرمی و روایی فیلم‌هایش با بخشی از سینمای «یاسوجیرو اوزو» و «روبر برسون» است(که در ادامه چرایی‌اش را باز خواهیم کرد). دیگری، برداشت‌های اغلب سطحی و دم دستی که از پس ظاهر فیلم‌هایش حاصل شده‌اند: اینکه از فیلم‌سازی مرفه و بی‌درد، با آثاری سرخوش(!) است که همواره موزیکال می‌سازد و از واقع‌گرایی رایج به‌سبک دیگر موج نویی‌ها - خصوصاً بُعد آتشین آن، گذار - دوری می‌جوید. بله، در نگاه اول در فیلم‌های او خبری از آن‌قسم شیطنت‌ها و بازیگوشی‌های رئالیستی گداری نیست، ولیکن این بافت تصویری پرزنگ و لعاب آثار اوست که اغلب مخاطبان و منتقدانش را به چنین اشتباهی می‌اندازد. چنانچه از لولا و خلیج فرشتگان، تا چترهای شربورگ و پوست الاغ و دیگر فیلم‌ها، دیالوگ‌ها به ساده‌ترین و رئالیته‌ترین شکل ممکن بیان می‌شوند و کیفیت رؤیاگون بارش باران بر روی چترها و خیابان‌هی سنگفرش شهر ساحلی در تیتراژ ابتدایی چترهای... با مجموعه رنگ‌هایی که در ادامه در یکدیگر می‌آمیزند، ابعاد رمانتیکِ قصه را به‌شکل تعمدی پرزنگ و در سطح نگه می‌دارد، اما وقایع تکتک قصه‌هایش واقعی‌ترین شکل و نوع از واقع‌گرایی‌اند: او «آمید» را به‌شکل آیرونیک و کاریکاتوری قاتل زندگی واقعی می‌داند. چنانچه در سه‌بیش «فراق»، «ققدان» و «بازگشت» که به‌شکلی اپیزودیک ستون‌های روایی شاه‌فیلمش را شکل می‌دهند، ترسیم‌کنندهٔ رابطهٔ عادی ژنویه و گای - همچون بی‌شمار دیگر از روابطی که در اطرافمان وجود دارد - است که در اوج باید به فراق و جدایی و انتقال گای به سربازی-جنگ ختم شود و سپس، در دو دورهٔ متفاوت، درحالی بخش‌هایی از زندگی هریک از آن‌ها را بدون دیگری تصویر کند که پیش از آن تصور می‌شد مرگ هردوی آن‌ها بدون لمس و حضور دیگری، قطعی است! و چه پایانی توامان شکوهمند و تلخ‌تر از آن فصل جادویی پمپ‌بنزین پوشیده در برف... «دیدار» دو معشوق سابق مؤلف به‌حساب می‌آیند.

اثر روح‌الله خالقی و تنظیم شریف لطفی را خواهیم داشت. قطعه «سالنامه» اثر محمدرضا فیاض، قطعه «مد بازی» اثر حمیدرضا دیبازر، قطعه «سر به چوگان» از علی ابراهیمی، تصنیف «پیداده» از تصانیف روایت عبدالله دامادی با تنظیم امیر رستمی از دیگر قطعاتی است که در این کنسرت اجرا می شود و تمام این آثار و تنظیم ها برای نخستین بار است که به صورت زنده در کنسرت اجرا می‌شود که برای خود ما نیز این اتفاق بسیار هیجان‌انگیز است.

فرهنگ

دست‌به‌نقد



بی‌خبری‌ها و چیزهای بی‌شماری که می‌بایست امتحان می‌شدند و نشدند. گای به ژنویه می‌گوید «من فکر می‌کنم تو از قصد به اینجا آمدی»، اما ژنویه عاجز از هرگونه پاسخ بنظر می‌رسد و تنها با به پرسیدن حال و احوال فعلی گای بسنده می‌کند. و می‌رود.

به شباهت‌های فرمی-روایی آثار دمی با اوزو و برسون بازمی‌گردم. از حیث توصیف و به‌تصویر کشیدن جست‌وجویی جنون‌وار میان پاکي و آلودگی، خلیج فرشتگان، برسونی‌ترین فیلم دمی بشمار می‌آید. درعین‌حال، اگرچه به‌مدد تفاوت‌های گستردهٔ فرهنگی میان ژاپن و فرانسه، یکی از اصلی‌ترین و پررنگ‌ترین نقش‌مایه‌های سینمای اوزو یعنی حضور پرزنگ «پدر»(و پدرسالاری) در فیلم‌های ژاک غایب بنظر برسد، اما آکسان‌های سینمایی او در نشان‌دادن امور عادی نظیر سلام و احوال‌پرسی با دیگران، بجای‌آوردن رسوم رایج فرهنگ عامه، رفتن به سربازی(سنت‌ها)، مسئلهٔ احترام به بزرگتر، مراسم ازدواج، گرایش به بچه‌دارشدن و در رأس آن‌ها، پویایی زندگی خانوادگی، بیانگر شباهت چشمگیر نظرگاه این‌دو مؤلف در مواجهه‌شدن با انسان و تعلقاتش است.

خطوط پایانی این‌نوشتر را با بخشی از پاسخ دمی در گفت‌وگویی پس از اکران چترهای شربورگ - که بعضاً با نقدهایی پیرامون «آگزوتیک» بودن فضای فیلم به‌سبب سراسر آهنگین‌بودن‌اش مطرح شده بود - به پایان می‌برم: «چرا فکر می‌کنید خواندن در رستوران غیرطبیعی است؟ اساساً خواندن یکی از شیوه‌های طبیعی بیان است، این‌کار زندگی را خیلی شیرین‌تر می‌کند؛» البته با پرسش دیگری‌ام مواجه شد: «وقتی شما خودتان به رستوران می‌روید با آواز خواندن از کارسون طلب پای سیب نمی‌کنید، پس چطور از بازیگرانتان می‌خواهید که چنین کنند؟» و تنها پاسخش این بود: «ولی من در رستوران چنین کاری می‌کنم!»

دمی همواره فیلم‌هایش را بر اساس

یک فرض ساده‌پی‌ریزی و گسترده

می‌کند: اینکه همهٔ ما نسبت به زندگی

و تصادف‌های بی‌رحمانه‌اش که قرار

است ما را در مسیرهایی پر پیچ و خم قرار

دهد جا هلیم. و او، از همان ابتدای مسیر

فیلم‌سازی‌اش جهان منحصربه‌فرد خودش

رامی سازد: تکیه بر تصادف در روایت و

بر خورد‌های سرنوشت‌ساز، شخصیت‌های

به هم پیوسته که از این فیلم به فیلم

بعدی‌اش کوچ می‌کنند، جهان رنگارنگ

– نه لزوماً و صرفاً آن چیزی که در چترهای

شربورگ در خاطر تان نقش بسته – و البته،

عشق‌های اولیه و شورهای طوفانی در

میان عبور و مرور رعدآسای خاطرات،

و پایان‌های تلخ و واقع‌گرایانهٔ دور از

ظاهر سازی فانتزی فیلم‌هایش و غیره، تنها

بخشی از مؤلفه‌های روایی و اجرایی دمی

مؤلف به حساب می‌آیند.



آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –کرج (نوبت دوم)

برابر رای شماره ۳۳۰۸۰۳۳۱۰۱۱۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مسعود خداینده لو بشناسنامه شماره ۱۷۹۱ صادره از کرج فرزند فریدون در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۸۸/۲۰ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۲۹۴ فرعی از ۱۴۳ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای حسین توانگر زنجبر و با مالکیت مالک اولیه آقای احمد مدیرروستا تایید مینماید لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۸۰۳۸۴ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی –کرج (نوبت دوم)

برابر رای شماره ۳۳۰۸۰۳۳۱۰۱۱۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علیرضا خداینده لو بشناسنامه شماره ۵ صادره از کرج فرزند فریدون در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۸۸/۲۰ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۲۹۴ فرعی از ۱۴۳ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای حسین توانگر زنجبر و با مالکیت مالک اولیه آقای احمد مدیرروستا تایید مینماید لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۸۰۳۹۵ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

صورتجلس عدم قابلیت افراز

برابر گزارش ماده ۲ افراز تهیه شده توسط نماینده ثبت:

احتراما در اجرای دستور مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۲ ذیل تقاضای افراز آقای حمید فرخی احد از مالکین مشاعی پلاک ثبتی ۲۶۷۱۰ فرعی از ۱۶۳ اصلی به استحضار می‌رساند:برابر سامانه جامع املاک سازمان ثبت:

۱- سند مالکیت کاداستری دو سهم مشاع از دوازده سهم شش دانگ عرصه و اعیان یک باب انبار بااستثناء بهاء ثمینه عرصه و اعیان به شماره بیست و شش هزار و هفتصد و ده فرعی از یکصد و شصت و سه اصلی مفروز و مجزی شده از شماره یک هزار و سیصد و چهل و چهار فرعی قطعه بیست تفکیکی واقع در ناحیه سرحدآباد بخش حوزه ثبتی ناحیه دو کرج استان البرز به مساحت (۷۹/۸۸) چهارصد و هفتاد و نه متر و هشتاد و هشت دسیمتر مربع انتقالی موروثی شماره ۱۴۲/۲۱/۸۴ مورخ ۱۳۸۴/۰۴/۰۹ برابر دفتر الکترونیکی شماره ۱۰۱۰۱۴۶۴۰۳۳۱۰۱۰۱۳۹۵۲۰ به شماره سریال ۷۶۸۶۰۲ بنام رضیه فرخی ثبت و صادر گردیده است. با حدود و ابعاد:

شمالا دیواربدیوار بطول (۳۸/۷۰) سی و هشت متر و هفتاد سانتیمتر به گاراژ طاهری شماره هفده هزار و هفتصد و هفتاد و یک فرعی از یکصد و شصت و سه اصلی

شرقا دیواربدیوار بطول (۱۲/۰۰) دوازده متر و چهل سانتیمتر به باقیمانده قطعه ۲۱تفکیکی

جنوبا دیواربدیوار بطول (۳۸/۷۰) سی و هشت متر و هفتاد سانتیمتر به یخچال سازی آقای بزرگی قطعه بیست و یک تفکیکی غریا درب و دیوار بطول (۱۲/۰۰) دوازده متر و چهل سانتیمتر به پیاده رو و بلوار آزادگان

ضمنا لازم به یادآوریست: گزارش تنظیمی بااستناد سیستم سامانه جامع املاک سازمان ثبت تهیه گردیده که سامانه جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد و ملک در قید رهن و بازداشت نمی باشد و همچنین ثانیا برابر سامانه جامع املاک اسناد مالکیت معارض نیز رویت نگردید و ادامه عملیات افرازی پس از انجام گواهیهای ذیل منوط به دستور جنابعالی میباشد.

آقای حمید فرخی به موجب درخواست وارده به شماره ۱۴۰۳۱۷۳۱۰۱۰۰۵۶۴۷ مورخه ۱۴۰۳/۱۰/۰۲ درخواست افراز قدرالسهم مشاعی خود را از اداره ثبت اسناد شهرستان فردیس خواستار که انجام آن برابر مقررات به نمایندند و نقشه بردار محول گردید که مطابق ماده یک و دو آئین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع نماینده ثبت گواهی نموده است که جریان ثبتی خاتمه یافته وسند مالکیت معارض ثبت و صادر نگردیده لذا بعد از صدور و ارسال اخطار افراز پلاک فوق و طی مراحل قانونی در این خصوص بموجب نامه شماره ۱۴۰۳۱۸۵۶۳۱۰۱۰۰۵۶۳۲ مورخه ۱۴۰۳/۰۴/۱۱ موضوع افراز پلاک فوق به اطلاع شهرداری منطقه دو فردیس رسانیده شد. که آن شهرداری بموجب نامه شماره ۱۱۰۱۲۵۷۵ مورخه ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ اعلام نمودند:

مطابق طرح تفصیلی و بر اساس ضوابط و مقررات شوراهای عالی شهرسازی و معماری پلاک فوق قابل افراز نمی باشد و پلاک فوق را غیر قابل افراز اعلام نمودند لذا با التفات به نامه شهرداری منطقه دو فردیس ششدانگ پلاک فوق غیر قابل افراز اعلام می گردد.

خواهان: حمید فرخی به آدرس: فردیس- شهرک منظریه -فلکه سوم- خیابان شهید داوود عباسی شرقی - پلاک ۲۷- ویلاپی

خواندگان:

۱-آقای جواد فرخی به آدرس: شهرک منظریه - فلکه اول - خیابان شهید سبزیعلی پور شرقی - پلاک ۱۱- ساختمان خورشید- طبقه اول واحد ۲

۲- خاتم افسانه فرخی به آدرس: تهران- بلوار مردزران- خیابان ناهید- خیابان شاهین غربی - پلاک ۵- طبقه دوم - واحد ۲
۳- خانم مرضیه فرخی به آدرس: شهرک منظریه- فلکه چهارم -خیابان شهید قاسم حق بیان شرقی - پلاک ۱۹- ساختمان السانا - ط اول واحد ۲
۴- خانم راضیه فرخی به آدرس: شهرک وحدت- بلوار شهیدان بخشی- انتهای بلوار به سمت سرحد آباد - خیابان بهرویان - پلاک ۱۳۳- ساختمان برج سفید- واحد۳۶
۵- آقای علی و عزیزه شهرت همگی فرخی و خانم مهرانگیز عقیلی مهر همگی به آدرس: شهرک منظریه - فلکه سوم - خیابان شهید داود عباسی شرقی - پلاک ۲۷ - ملک ویلاپی
امضاء نماینده: اسلامی- امضاء نقشهبردار: کشاورز- امضاء خواهان افراز تصمیم‌مسئول واحدثبتی:

با مطالعه پرونده ثبتی و گزارش مامورین افراز و با عنایت به نامه شماره ۲۱۱۰۲۵۷۵ مورخه ۲۵ تیرماه ۱۴۰۴ شهرداری منطقه دو فردیس ششدانگ پلاک فوق الاشعار غیرقابل افراز تشخیص می گردد. مراتب به متقاضی و سایر شرکای مشاعی ابلاغ تا در صورت اعتراض مطابق ماده دوم قانون افراز و فروش املاک مشاع از تاریخ رویت طرف مدت ده روز به دادگاه صالح محل وقوع ملک مراجعه و اعتراض نمایند. ۱۹۹۴۱۲۸

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان فردیس

صورتجلس عدم قابلیت افراز: تاریخ رسیدی ۷ مردادماه ۱۴۰۴

گزارش ماده ۲ آئین نامه قانون افراز در ارتباط با پلاک ثبتی ۵۵۵۰ فرعی از ۱۶۳ اصلی

تفکیکی واقع در ناحیه سرحد آباد بخش حوزه ثبتی ناحیه دو کرج استان البرز به مساحت (۲۴۲/۸) ششصد و چهل و سه متر و هشتاد دسیمتر مربع بموجب گواهی حصر وراثت شماره ۱۴۲/۲۱/۸۴ح مورخ ۱۳۸۴/۰۴/۰۹ شعبه ۲۱ دادگاه عمومی کرج برابر دفتر الکترونیکی شماره ۱۰۱۰۱۵۱۷۴۰۳۳۱۰۱۰۱۳۹۵۲۰ به شماره سریال ۲۲۲۵۶۷ بنام افسانه فرخی ثبت و صادر گردیده است.

۸- سند مالکیت کاداستری یک سهم مشاع از دوازده سهم شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین بااستثناء بهای ثمن اعیانی به شماره پنج هزار و پانصد و پنجاه فرعی از یکصد و شصت و سه اصلی مفروز و مجزی شده از تفکیکی واقع در ناحیه سرحدآباد بخش حوزه ثبتی ناحیه دو کرج استان البرز به مساحت (۷۹/۸۸) ششصد و چهل و سه متر و هشتاد دسیمتر مربع بموجب گواهی حصر وراثت شماره ۱۴۲/۲۱/۸۴ح مورخ ۱۳۸۴/۰۴/۰۹ شعبه ۲۱ دادگاه عمومی کرج برابر دفتر الکترونیکی شماره ۱۰۱۰۱۴۶۲۰۳۳۱۰۱۰۱۳۹۵۲۰ به شماره سریال ۷۶۸۶۰۱ بنام راضیه فرخی ثبت و صادر گردیده است.

شمالا پی است بطول (۱۵/۰۰) پانزده متر به خیابان ۱۰ متری نسترن شرقا پی است بطول (۷۲/۰۰) چهل و دو متر و نود سانتیمتر به قطعه دویست و چهل و چهار تفکیکی

جنوبا پی است: بطول (۱۵/۰۰) پانزده متر به قطعه یکصد و نود و چهار تفکیکی غریا پی است بطول (۷۲/۰۵) چهل و دو متر و نود و پنج سانتیمتر به قطعه دویست و چهل و دو تفکیکی

ضمنا لازم به یادآوریست: گزارش تنظیمی بااستناد سیستم سامانه جامع املاک سازمان ثبت تهیه گردیده که سامانه جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد و ملک در قید رهن و بازداشت نمی باشد و همچنین برابر سامانه جامع املاک اسناد مالکیت معارض نیز رویت نگردید و ادامه عملیات افرازی پس از انجام گواهیهای ذیل منوط به دستور جنابعالی میباشد.

آقای حمید فرخی به موجب درخواست وارده به شماره ۱۴۰۳۲۱۷۳۱۰۱۰۰۵۶۴۸ مورخه ۱۴۰۳/۱۰/۰۲ درخواست افراز قدرالسهم مشاعی خود را از اداره ثبت اسناد شهرستان فردیس خواستار که انجام آن برابر مقررات به نمایندند و نقشه بردار محول گردید که مطابق ماده یک و دو آئین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع نماینده ثبت گواهی نموده است که جریان ثبتی خاتمه یافته وسند مالکیت معارض ثبت و صادر نگردیده لذا بعد از صدور و ارسال اخطار افراز پلاک فوق و طی مراحل قانونی در این خصوص بموجب نامه شماره ۱۴۰۳۲۸۵۶۳۱۰۱۰۰۵۶۳۲ مورخه ۱۴۰۴/۰۴/۱۱ موضوع افراز پلاک فوق به اطلاع شهرداری منطقه دو فردیس رسانیده شد. که آن شهرداری بموجب نامه شماره ۱۱۰۱۲۵۷۳ مورخه ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ اعلام نمودند:

مطابق طرح تفصیلی و بر اساس ضوابط و مقررات شوراهای عالی شهرسازی و معماری پلاک فوق قابل افراز نمی باشد و پلاک فوق را غیر قابل افراز اعلام نمودند لذا با التفات به نامه شهرداری منطقه دو فردیس ششدانگ پلاک فوق غیر قابل افراز اعلام می گردد.

خواهان: حمید فرخی به آدرس: فردیس - شهرک منظریه - فلکه سوم - خیابان شهید داوود عباسی شرقی - پلاک ۲۷- ویلاپی

خواندگان:

۱- آقای جواد فرخی به آدرس: شهرک منظریه - فلکه اول خیابان شهید سبزیعلی‌پور شرقی پلاک ۱۱- ساختمان خورشید- طبقه اول واحد ۲

۲- خاتم افسانه فرخی به آدرس: تهران- بلوار مردزران- خیابان ناهید- خیابان شاهین غربی - پلاک ۵- طبقه دوم - واحد ۲
۳- خانم مرضیه فرخی به آدرس: شهرک منظریه- فلکه چهارم -خیابان شهید قاسم حق بیان شرقی - پلاک ۱۹- ساختمان السانا -ط اول واحد ۲
۴- خانم راضیه فرخی به آدرس شهرک وحدت بلوار شهیدان بخشی انتهای بلوار به سمت سرحد آباد خیابان بهرویان - پلاک ۱۳۳- ساختمان برج سفید- واحد۳۶
۵- آقای علی و عزیزه شهرت همگی فرخی و خانم مهرانگیز عقیلی مهر همگی به آدرس: شهرک منظریه - فلکه سوم - خیابان شهید داود عباسی شرقی - پلاک ۲۷ - ملک ویلاپی
امضاء نماینده: اسلامی- امضاء نقشهبردار: کشاورز- امضاء خواهان افراز تصمیم‌مسئول واحدثبتی:

با مطالعه پرونده ثبتی و گزارش مامورین افراز و با عنایت به نامه شماره ۲۱۱۰۲۵۷۳ مورخه ۲۵ شهریور ۱۴۰۴شهرداری منطقه دو فردیس ششدانگ پلاک فوق الاشعار غیر قابل افراز تشخیص می گردد. مراتب به متقاضی و سایر شرکای مشاعی ابلاغ تا در صورت اعتراض مطابق ماده دوم قانون افراز و فروش املاک مشاع از تاریخ رویت طرف مدت ده روز به دادگاه صالح محل وقوع ملک مراجعه و اعتراض نمایند. ۱۹۹۴۲۱۹

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان فردیس



سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۸۳

دنیای هوادار

«دنیای هوادار» بررسی می‌کند: چگونه «شبح بنزین» هر بار از دل سیاست بازمی‌گرددو آرامش جامعه راگروگان می‌گیرد؟

سوخت، سوژهٔ وحشت

ایمان روزبناهی

بحث قیمت بنزین در ایران همیشه چیزی فراتر از یک موضوع اقتصادی صرف بوده است؛ بنزین در ایران حامل انرژی نیست، حامل سیاست، امنیت و حتی سرنوشت اجتماعی است. از دهه‌ی هشتاد تا امروز، هر بار که زمزمه‌ی تغییر قیمت آن بلند شده، خیابان‌ها هم با آن لرزیده‌اند. اکنون دوباره بازار ستاریوها داغ شده است: از ۲۰ هزار تومان علی‌عسگری تا ۷۰ هزار تومان محمدرضا باهنر. این اعداد صرفاً محاسبات ریاضی نیستند، بلکه مثل سیگنال‌های سیاسی‌اند که می‌توانند زندگی میلیون‌ها ایرانی را زیرورو کنند. آنچه امروز به‌ظاهر «گمانه‌زنی» به نظر می‌رسد، فردا می‌تواند به بحرانی بدل شود که نه تنها سفره‌ها را کوچک‌تر، بلکه اعتماد اجتماعی را هم تکتکه کند.

چرخهٔ تکراری یارانه و انرژی

قانون هدفمندی یارانه‌ها که در سال ۱۳۸۹ به اجرا درآمد، قرار بود مسیر ایران را به سمت واقعی‌سازی قیمت انرژی و عدالت اجتماعی ببرد. اما همان‌طور که علی‌عسگری یادآوری می‌کند، برنامه‌ی افزایش سالانه‌ی ۲۰ درصدی قیمت بنزین هیچ‌گاه به‌طور کامل اجرا نشد. امروز اگر آن مسیر ادامه می‌یافت، بنزین به حدود ۵۰ هزار تومان رسیده بود. پرسش اینجاست: چرا سیاستی که قرار بود «شوک اولیه» ایجاد کند و سپس با شیب ملایم ادامه یابد، در نیمه‌راه متوقف شد؟

پاسخ در اقتصاد سیاسی ایران نهفته است؛ جایی که هر تصمیم اقتصادی بزرگ، بلافاصله با بار سنگین سیاسی و اجتماعی گره می‌خورد. دولت‌ها باترس از نارضایتی عمومی، بارها عقب‌نشستند و نتیجه، وضعیتی شد که نه یارانه‌ها عادلانه توزیع می‌شوند، نه قیمت انرژی واقعی است، نه مصرف کنترل می‌شود. بحث امروز دریاره‌ی «۲۰ هزار یا ۷۰ هزار تومان» در واقع نشان‌دهندگی بحران عمیق‌تر است: شکاف میان درآمد واقعی خانوارها و هزینه‌های زندگی. در حالی که دستمزد یک کارگر یا کارمند عادی کفاف اجاره‌ی

مسئول تحویل و تحول پالایشگاه سیزدهم پارس جنوبی اعلام کرد: واحدهای اصلی این پالایشگاه با ظرفیت ۵۵ درصد وارد مدار تولید شده و تحویل کامل آن تا پیش از فصل سرد از اولویت‌های اساسی صنعت گاز کشور است.
علی خوشاب با بیان اینکه هم اکنون بخش‌های HPAC و ۲-PAC، صد درصد آماده تحویل هستند و تنها منتظر ابلاغیه رسمی مدیران

بالادستی است، اظهار کرد: با تلاش‌های شبانه‌روزی تیم‌های فنی و مدیریتی، واحدهای اصلی پالایشگاه اکنون با ظرفیت حدود ۵۵ درصد تولید گاز شیرین در مدار بهره‌برداری قرار دارند.
وی تصریح کرد: اکثر واحدهای پالایشگاهی به جز واحدهای گوگرد، تریتمنت فاز ۱۴A و مخزن ذخیره الپی‌جی در مدار بهره‌برداری قرار دارند و انتقال مسئولیت راهبری به مجتمع گاز

تحویل پالایشگاه سیزدهم پارس جنوبی تا پیش از فصل سرد

پارس جنوبی برای آن‌ها در دستور کار است.

مسئول تحویل و تحول پالایشگاه سیزدهم مجتمع گاز پارس جنوبی با اعلام اینکه براساس برنامه‌ریزی تا پیش از آغاز فصل سرد، تحویل موقت انجام شده و پالایشگاه به‌صورت کامل تحت مدیریت مجتمع گاز پارس جنوبی قرار گیرد، افزود: البته جمع‌آوری و نهایی‌سازی نواقص همچنان ادامه دارد. به‌عنوان

داستان جلد



معنا دارد که با سه شرط اساسی همراه شود:

۱. ایجاد نظام شفاف حمایت اجتماعی: یارانه‌ها باید به‌صورت هدفمند و عادلانه به دهک‌های پایین برسند؛

۲. سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل عمومی: بدون توسعه‌ی واقعی مترو، اتوبوس برقی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل، افزایش قیمت بنزین تنها فشار مضاعف خواهد بود؛

۳. بازسازی اعتماداجتماعی: تصمیم‌های کلان اقتصادی باید با گفت‌وگوی صادقانه با جامعه و مشارکت عمومی اتخاذ شود، نه با تصمیمات ناگهانی پشت درهای بسته.
بحث امروز دریاره‌ی «۲۰ هزار یا ۷۰ هزار تومان» اگرچه هنوز در سطح سناریو باقی مانده، اما همچون آینه‌ای، چهره‌ی بحران‌های عمیق‌تر را نشان می‌دهد: بحران ساختار اقتصادی، بحران عدالت اجتماعی و بحران اعتماد عمومی.

سوختی است که می‌تواند موتور جامعه را به حرکت درآورد یا شعله‌ی خشم عمومی را شعله‌ور کند. پرسش نهایی این است: آیا حاکمیت این بار می‌خواهد با چشم باز و صداقت، به اصلاح ساختاری تن دهد، یا باز هم سیاست بنزینی به ابزاری برای آزمون صبر جامعه بدل خواهد شد؟ اگر پاسخ دوم باشد، باید منتظر روزی بود که قیمت‌ها فقط روی پمپ‌بنزین تغییر نکنند، بلکه روی تابلوهای اعتماد اجتماعی هم به عدد «صفر» برسد.

آینده؛ میان ضرورت و امکان

هیچ‌کس تردید ندارد که تداوم وضعیت فعلی ممکن نیست. مصرت بالای بنزین، ناترازی تولید و واردات، و بار سنگین یارانه‌های پنهان اقتصاد ایران را تهدید می‌کند. اما مسیر اصلاح نیز روشن است: افزایش قیمت تنها زمانی

کاهش مصرف برق با اجرای یک طرح جدید در کولرهای آبی

انتظار می‌رود میزان کاهش توان به ازای هر کولر کنار گذاشته شده در این طرح، بیش از ۷۵۰ وات باشد که این امر نقش بسزایی در کاهش تقاضا به‌ویژه در ایام اوج مصرف تابستان خواهد داشت.
آتش پر افزود: تاکنون ۱۵۰۰ دستگاه موتور فرسوده با نمونه‌های جدید تعویض شده‌اند که نتایج اولیه نشان می‌دهد این اقدام به‌طور محسوسی باعث بهبود راندمان و کاهش مصرف انرژی شده است و هم‌اکنون برنامه‌ریزی برای اجرای گسترده این طرح به‌ویژه در قالب عموم مصرف‌کنندگان بخش خانگی، در دست انجام بوده و اقدامات لازم برای اخذ مصوبات بالادستی صورت گرفته است.
گفتنی است در حال حاضر، بالغ بر ۲۰ میلیون دستگاه کولر آبی در کشور وجود دارد که تاثیر قابل ملاحظه‌ای در افزایش

شاخص‌های عملکرد و انرژی موتورهای کنار گذاشته و جایگزین انجام شد.

اعضای نهاد تخصصی بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط زیست بر وضعیت آزمون موتورهای اسقاط شده کولرهای آبی در آزمایشگاه مرکز پژوهش‌های علمی و صنعتی نظارت کردند.
سالار آتش‌پر، مدیرکل دفتر هماهنگی طرح‌ها، اندازه‌گیری و صحت‌گذاری ساتبا بیان کرد: با جایگزینی کامل ۱۰ هزار موتور فرسوده در این طرح، برآورد می‌شود بیش از ۶ مگاوات از توان مورد نیاز شبکه در سمت مصرف کاسته شود.

وی ادامه داد: با توجه به کنترل‌پذیری موتورهای جدید و قابلیت تنظیم دور موتور در گام‌های متعدد در مقایسه با تنها دو دور کند و تند موتور برکنارشد،



در راستای اجرای طرح جایگزینی ۱۰ هزار الکتروموتور فرسوده با انواع موتور BLDC در کولرهای آبی در قالب بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط زیست، آزمون

بیمه مرکزی محصول جدید برای حل مشکل خودروهای نامتعارف ارائه می‌کند

جبران خواهد بود.

وی ادامه داد: منظور از خودروی متعارف خودرویی است که قیمت آن کمتر از پنجاه درصد سقف تعهدات بدنی که در ابتدای هر سال مشخص می‌شود(مبلغ دیه)، باشد.

رئیس کل بیمه مرکزی تأکید کرد: از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ که تورم و قیمت خودرو افزایش قابل توجهی می‌یافت، اما دیه متناسب با آن افزایش پیدا نمی‌کرد این نارضایتی‌ها شدیدتر شد چون بسیاری از خودروها که به‌صورت معمول متعارف تلقی می‌شدند، طبق تعریف قانون مذکور در رده خودروهای

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم سیده مریم موسوی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است به علت سهل انگاری اصل سند مالکیت مفقود شده است و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی از این واحد ثبتی نموده که برابر محتویات پرونده ثبتی سند مالکیت شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی به مساحت ۱۸۹.۵۶ مترمربع قطعه ۳ تفکیکی به شماره ۲۳۷۰ فرعی از ۱۵۳ از اصلی مفروز از پلاک ۱۷۸۱ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج برابر سند انتقال شماره ۲۶۲۷۰ مورخه ۱۳۹۸/۱۲/۲۲ دفتر ۵۷ کرج به خانم سیده مریم موسوی منتقل و منجر به صدور سند مالکیت به شماره چاپی ۹۶۹۹۲۳ گردید لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وقف مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد.
۱۹۹۱۰۲

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج

اقتصاد

انرژی

با انتقال آب از سد طالقان؛

آب چندمیلیون تهرانی

تامین می‌شود؟

وزیر نیرو از آغاز بهره برداری از فاز دوم خط اضطراری انتقال آب سد طالقان به تهران و کرج خبر داد و گفت: با بهره برداری کامل از این طرح نیاز آبی سه میلیون نفر پاسخ داده خواهد شد.

عباس علی‌آبادی گفت: امروز شاهد به نتیجه رسیدن و نهایی شدن فاز دوم خط اضطراری انتقال آب از سد طالقان به تهران و کرج هستیم.

وی ادامه داد: کل این طرح عظیم به طول ۶۲ کیلومتر در سه فاز طراحی و اجرا شده است که فاز اول آن ۲۴ مردامه‌ها با انتقال ۳۰۰ لیتر آب در ثانیه به طول ۲۲ کیلومتر به شهر هشتگرد و فاز دوم انتقال ۲۲۰۰ لیتر آب در ثانیه به طول ۵۴ کیلومتر آب به تصفیه‌خانه شماره ۲ کرج است که گامی مهم برای تأمین آب پایدار مردم شهر تهران و کرج محسوب می‌شود.

وزیر نیرو تصریح کرد: پیش‌بینی می‌شود فاز سوم و پایانی این طرح نیز در آینده نزدیک به بهره‌برداری برسد؛ در این فاز نیز ۲۵۰۰ لیتر آب در ثانیه به آبگیر بیلقان منتقل می‌شود که سهم تهران خواهد بود.

به گفته وزیر نیرو، با بهره برداری کامل از این طرح نیاز آبی سه میلیون نفر پاسخ داده خواهد شد.

علی‌آبادی گفت: کل اعتبار برآورد شده برای این پروژه ۷ هزار میلیارد تومان بوده که نشان‌دهنده عزم جدی دولت در تکمیل پروژه‌های حیاتی و زیرساختی در حوزه آب است. وی اضافه کرد: آبی که از این سد به تهران و دو استان دیگر می‌رسد به صورت دائمی نبوده بلکه به صورت پشتیبان است. ما مشابه این اتفاق را در حوزه برق با انتقال برق به سایر استان‌ها و شهرها داریم، اما در خصوص آب این اتفاق نمی‌افتاد که با این پروژه‌ها انتقال آب به صورت پشتیبان رخ خواهد داد.

وزیر نیرو در پایان افزود: از تلاش همه دست‌اندرکاران، مهندسان، کارگران و مدیران پروژه صمیمانه تشکر می‌کنم و امیدوارم این گام مهم، سرازاز موفقیت‌های بزرگ‌تر در خدمت به مردم عزیزمان باشد.

لازم به توضیح است گرچه این پروژه از سال ۱۴۰۱ آغاز شده بود، اما در ابتدای دولت چهاردهم تنها ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشت که با جدیت و تلاش شبانه‌روزی بیش از هزار نیروی انسانی، از بهمن ماه سال گذشته روند اجرا سرعت گرفت و امروز شاهد پیشرفت فیزیکی ۹۲ درصدی آن هستیم و تنها چند گام تا بهره‌برداری کامل آن باقی مانده است.

با انتقال آب از سد طالقان؛

احداث مزارع بزرگ خورشیدی

آغاز شده‌است

رئیس سازمان انرژی های تجدیدپذیر و بهره وری برق ایران(ساتبا) گفت: در کنار احداث نیروگاه های کوچک مقیاس خورشیدی، کار احداث مزارع بزرگ خورشیدی نیز در کشور آغاز شده است.

محسن طرز طلب با اشاره به اینکه در هفته دولت احداث نیروگاه های سه مگاواتی در کشور کلید خورد، اظهار داشت: بر اساس برنامه ریزی انجام شده هر هفته برنامه مستمر برای افتتاح طرح‌های خورشیدی داریم و پیش بینی های لازم برای تأمین منابع مالی طرح های مرتبط با نیروگاههای خورشیدی انجام شده است.

طرزطلب درباره اقدام ها برای نصب نیروگاه خورشیدی بر بام منازل نیز گفت: سامانه ای برای ثبت نام در این زمینه راه اندازی و اطلاع رسانی در این خصوص آغاز شده و امیدواریم این طرح با استقبال خوب مردم روبه‌رو شود.

به گفته وی، متقاضیان می توانند با مراجعه به سامانه مرسین و تجهیزات مورد نیاز را شناسایی و خریداری کرده و یا می توانند از این تجهیزات را در اختیار پیمانکاران بگذارند تا آن‌ها را در پشت بام آن‌ها نصب کنند.

طرز طلب از تلاش برای ارائه اقساطی تجهیزات خبر داد و گفت: در حال حاضر استفاده از این تجهیزات فقط به صورت نقدی به متقاضیان عرضه می شود.

وی توسعه انرژی های تجدید پذیر را از اولویت های دولت چهاردهم در تأمین برق مورد نیاز کشور و رفع ناترازی عنوان کرد و افزود: در هفته‌های اخیر ۱۰۰ مگاوات برق تجدیدپذیر وارد مدار شده و فقط در هفته دولت ۱۵۰ مگاوات نیروگاه جدید به شبکه برق کشور اضافه شد.طرزطلب ظرفیت نیروگاه های تجدیدپذیر کشور را ۲۱۰۰ مگاوات اعلام و ابراز امیدواری کرد که با برنامه ریزی های صورت گرفته این شاخص تا پایان سال به حدود هفت هزار مگاوات برسد.



صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

سردبیر: مهدی تیموری

مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

صفحه آرا: امیر بیات

تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمود کاتبی، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ تلفن- نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ چاپ: صمیم

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

شهریار

ساعت ۱۸ - میدان ورزش نظرآباد

اجلاسیه شهدای شهرستان نظرآباد
کنگره ملی شهدای استان البرز

